

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارایران

خرداد ماه ۱۳۹۳ ژوئن ۲۰۱۴

شماره ۹۵

toufan@toufan.org www.toufan.org

ممانعت از فعالیت اتحادیه های کارگری حتی بیش از گذشته، در دستور کارکابینه روحانی است

اطلاعیه حزب کارایران (توفان) و همبستگی با کارگران ترکیه
دولت سرمایه داری ترکیه مسبب کشتار کارگران معدن است



نوزده اردیبهشت، نهم ماه مه ۲۰۱۴؛ ۶۹ نهمین سالروز
پیروزی برفاشیسم بر همه مردم صلحدوست جهان مبارک باد!



یاد داشتهای کوتاه سیاسی

گلچینی از فیسبوک

گزارشات رسیده درمورد تظاهراتهای اول ماه مه

چند پیام دریافتی به حزب کارایران (توفان) در مورد وحدت با رفقای
تشکل مارکسیستی لنینیستی توفان و راه آینده

کارزار بین المللی دفتر روابط خارجی حزب کار ایران (توفان)
برای آزادی بی قید و شرط فعال کارگری شاهرخ زمانی وسایر زندانیان سیاسی

خرس روسی. زندگی نامه لنین قسمت هشتم. اثر استفان لینگگرن

اطلاعیه حزب کارترکیه پیرامون فاجعه معدن

ممانعت از فعالیت اتحادیه های کارگری حتی بیش از گذشته، در دستور کار کابینه روحانی است



همچنانکه در گذشته هم بیان کرده ایم، هدف از انتخابات مهندسی شده خرداد ۹۲، و برگماشتن حسن روحانی به ریاست جمهوری، حفظ و تداوم رژیم جمهوری اسلامی، از طریق، بازسازی مناسبات قبل از انقلاب با امپریالیستهای غربی، به قیمت، نفی حاکمیت ملی و واگذاری منابع ملی به انحصارات امپریالیستی و تغییر سیاستهای منطقه ای رژیم، در جهت تحقق هدف استراتژیک امپریالیسم آمریکا در رابطه با " خاور میانه بزرگ " بود.

این تحول استراتژیک در سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی که خامنه ای آنرا " نرمش قهرمانانه " نامگذاری کرد، نتیجه شکست در " جنگ اقتصادی " با امپریالیسم آمریکا و متحدان آن، از طرفی، و ترس از اوج گیری بحران اقتصادی و اجتماعی و نارضایتی توده های میلیونی، از جانب دیگر، بود. کابوس رژیم از جنبش گرسنگان و وحشت از هرگونه تحول انقلابی و دمکراتیک در جامعه که منجر به سرنگونی حاکمیت ننگینش به دست مردم شود آنها را به خوردن جام زهر دیگری برای حفظ نظام واداشت.

سیاستهای اقتصادی نئولیبرالیستی جمهوری اسلامی که از زمان ریاست جمهوری رفسنجانی و همزمان با دولت ریگان در آمریکا و مارگارت تاچر در انگلیس و با دستورالعمل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و با تحریف آشکار اصل ۴۴ قانون اساسی توسط خامنه ای به اجرا در آمد و مورد تائید همه باندها و جناح های حاکمیت جمهوری اسلامی بوده و هست؛ تیشه به ریشه تولیدات صنعتی و کشاورزی داخلی زد و اقتصاد کشور را در جهت منافع بورژوازی بزرگ تجاری و مالی و بروکراتیک با مشخصه وارداتی و تک محصولی تبدیل کرد.

امپریالیسم آمریکا و متحدان آن که از نقاط ضعف چنین ساختار اقتصادی بخوبی مطلع هستند، با تحریم های اقتصادی، و به خصوص تحریم نفتی و مالی، این نقطه ضعف را، نشانه رفتند و با بلوکه کردن پولهای نفت فروخته شده ایران، که باعث سقوط ۳۰۰ درصدی پول ملی، در مدت زمان کوتاه شد و افزایش تورم که هم به دلیل حذف سوبسیدها و تعدیل های اقتصادی و هم تحریمهای کشورهای امپریالیستی بود، جمهوری اسلامی را در جنگ اقتصادی به شکست کامل کشاندند.

جمهوری اسلامی که از جنبش کارگران و زحمتکشان شهر و روستا بیش از امپریالیستها و گزینه نظامی آنها وحشت دارد، برای حفظ نظام ننگین و ضد مردمیش حاضر شد گامهای جدی بسوی وابستگی سیاسی و نوکری برای امپریالیسم بردارد. برای چنین ماموریتی به قول امیر محبیان از نظریه پردازان " اصولگرا " :

" به گمانم سیستم قصد داشت حرکتی حساب شده را در حوزه تعامل بین المللی انجام دهد ... طبعاً روحانی با سوابق خود و نگاه امنیتی خاص، تبحر لازم را در این زمینه داشت ... ولایتی کاتالیزوری بود که با نقد جلیلی در مذاکرات هسته ای، تدبیر را در شعار روحانی معنی دار کرد."

نتیجه مهندسی انتخابات، مورد تائید خامنه ای، رفسنجانی، اصلاح طلبان و تائید و استقبال امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفت. باند رفسنجانی و اتاق بازرگانی که همیشه طرفدار سرسخت تعدیل اقتصادی و رابطه با سرمایه داری جهانی بوده و هستند ماموریت سازماندهی سیاسی بورژوازی کمپرادور در حال شکل گیری را در چهارچوب واگذار کردن کشور به انحصارات امپریالیستی و در زیر سایه و چتر حمایتی چماق سرکوبگر ولی فقیه به عهده گرفتند.

گسترش و تعمیق سیاستهای نئولیبرالی و برقراری و تحکیم ارتباطات با انحصارات امپریالیستی و سرمایه داری جهانی و غارت منابع ملی، که در واقع در جهت منافع اقشار بالائی میلیاردرها و سرمایه داری تجاری و مالی و بروکراتیک هم می باشد، نیازمند نیروی کاری ارزان، مطیع و غیر سازمانیافته است.

روحانی در سخنرانی خود به مناسبت روز کارگر گفت :

" تحریم های غرب علیه ایران، سبب رنج و سختی مردم، به ویژه قشر کارگر شده است. دولت قصد دارد قفل تحریم ها را شکسته و امسال را به سال رشد اقتصادی تبدیل کند و تلاش خواهد کرد تا بازار جهانی را به روی کارگران ایرانی باز کند."

روحانی شارلاتان و فریبکار نمی گوید قفل تحریمها را با به حراج گذاشتن منابع کشور و پذیرش نوکری امپریالیستها و با دستمال ابریشمی و در جهت منافع مافیای غارتگر داخلی و بر علیه منافع کارگران و زحمتکشان می خواهد بشکند!

روحانی در همین سخنرانی با وعده بی پشتوانه و دروغین میگوید: «کارگران باید بتوانند از طریق شکل دادن انجمن های آزاد، پیام های خود را به مسئولین انتقال دهند... دولت نباید در این انجمن ها و اتحادیه ها مداخله نماید».

و درست در همان روز در مقابل وزارت کار نیروهای امنیتی و انتظامی تحت مسئولیتش اقدام به ضرب و جرح فعالین سندیکاها و کارگری و بازداشت پانزده نفر از آنها می کنند. مگر غیر از این بود که این فعالین اتحادیه های آزاد قصد داشتند پیام کارگران را به گوش مسئولین برسانند؟ در غروب همان روز در برغان کرج نیروهای امنیتی به اجتماع کارگران سندیکای فلزکار مکانیک هجوم برده و ضمن بازداشت کارگران و اعضاء خانوادهشان آنها را روانه زندان می کنند.

اخراج صدها نفر از فعالین سندیکائی از کار و حضور دهها نفر از آنها در شکنجه گاههای رژیم، معیار حقیقت گوئی آقای حسن روحانی است! هرگونه باور و توهم نسبت به ادعاهای دروغین رهبران جمهوری اسلامی، آنهم بعد از ۳۵ سال تجربه عملکرد این رژیم، تنها و تنها نشاندهنده فقدان کامل شعور و آگاهی سیاسی و طبقاتی و بلاهت محض است!

تمام واقعیت های موجود در عرصه جهانی و داخلی نشاندهنده این امر است که تنها قانون عمل کننده حاکم در عرصه روابط دولتها و همچنین روابط بین طبقات، قانون زور و قدرت است.

همانطور که در عرصه بین المللی قدرت اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک و علمی و اطلاعاتی نقش تعیین کننده در تحمیل سیاستها و خواسته های زورگویانه امپریالیستها دارد، مقاومت در مقابل اجحافات و سیاستهای تحمیلی آنها نیز به میزان اتکاء به توده های مردم و قدرت اقتصادی، نظامی و تکنولوژیک و علمی دارد.

رژیم هائی نظیر رژیم ایران و عراق و افغانستان و لیبی و سوریه و مصر و تونس و اردن و مراکش و پاکستان و عربستان و یمن و شیخک های خلیج فارس در منطقه که نه اتکائی به مردم خود دارند و نه هیچگونه قدرت اقتصادی و نظامی چاره ای جز تسلیم و یا شکست خفت بار ندارند.

در عرصه نبرد طبقاتی داخلی نیز، تنها راه نجات طبقه کارگر و زحمتکشان شهر و روستا، اتکاء به حزب مارکسیست لنینیستی و انقلابی خود، حزب کار ایران (توفان) است که آموزش دهنده و رهبری کننده گردانهای پیشرو طبقه کارگر و سازمانهای توده ای اتحادیه ای و سندیکائی و تشکلات دمکراتیک می باشد.

حزب رزمنده طبقه کارگر، مغز متفکروستاد فرماندهی کارگران و زحمتکشان است. کارگران و زحمتکشان که در تشکلات دمکراتیک و اتحادیه های صنفی و سیاسی خود متشکل میگردند سرانجام تحت رهبری حزب خود و کسب قدرت سیاسی می توانند نظامی بنا کنند که لولای درفش بر نیاز انسان میچرخد و بیکاری و فقر و فلاکت اقتصادی محلی از اعراب نخواهند داشت.

بنابراین کارگران ضمن پیکار متحد برای دفاع از حقوق دمکراتیک و صنفی خود باید به حزب سیاسی خود بپیوندند و ضربه نهایی را برنظام سرمایه داری که مسبب همه مصیبتهای طبقاتی است فرود آورند. رهبری حزب طبقه کارگر بر جنبش دمکراتیک ضامن پیروزی نهایی برارتجاع و امپریالیسم است.

حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی به عنوان نماینده طبقات استثمارگر و ضدکارگر به خوبی از خطرناک بودن چنین سلاحی در دست کارگران و زحمتکشان مطلع است و دقیقاً کینه توزیش نسبت به فعالین کارگری و سندیکائی و کمونیستها ناشی از این واقعیت اجتماعی است.

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) و همبستگی با کارگران ترکیه

دولت سرمایه داری ترکیه مسبب کشتار کارگران معدن است

در روز سه شنبه ۱۳ ماه مه، بیش از ۴۰۰ کارگر معدن زغال سنگ در شهر سوما ترکیه جان خود را در اثر انفجار معدن از دست دادند. کارگران معادن زغال سنگ و اتحادیه های کارگری ترکیه ماه ها قبل به مسئولین هشدار داده بودند که کاربرد معادن ترکیه و بویژه این معدن ... بسیار خطرناک است و مسائل ایمنی کار مراعات نشده اند. اما دولت سرمایه داری اردوغان همه هشدارها را نادیده گرفت و کارگران را به حال خود رها کرد.

نماینده کارگران معدن زغال سنگ سوما در مصاحبه ای بیان داشته است که این حادثه نتیجه خصوصی سازی، افزایش استخدام کارگران مقطعه ای و کاهش نقش اتحادیه ها بوده است. این عوامل برای فشار بر روی کارگران برای تولید بیشتر با هزینه کمتر اعمال میشوند.

بی تردید مسئول مرگ این کارگران دولت اردوغان و سرمایه داران زالو صفت اند که جان انسانها برایشان پیشیزی ارزشی ندارد. در نظام سرمایه داری آنها در شکل عریان نئولیبرالی ، انگیزه کسب حد اکثر سود و چاپیدن مطلق دسترنج کارگران و زحمتکشان معیار است و نه جان و سلامتی کارگران.

امروز پنج شنبه در سراسر ترکیه ، اتحادیه های کارگری، دانشجویان و زنان و جوانان کشور به خیابانها ریختند و بر علیه دولت و صاحبان معادن دست به تظاهرات زدند. مردم چنان خشم و نفرت خود را از دولت فاسد و دزد و کلاهبردار اردوغان نشان دادند که رسانه های سرمایه داری غرب نتوانستند در مورد اعتراضات مردم ترکیه سکوت پیشه کنند.

سیستم سرمایه داری در قامت نئولیبرالیسم در هر گوشه ای از جغرافیای جهان که مستقر باشد جز غارت دسترنج کارگران و تضعیف محیط ایمنی و مرگ نان آوران خانواده به چیز دیگری نمی اندیشد. حوادثی که در سالهای اخیر در آفریقای جنوبی، شیلی ، ترکیه ، برزیل، ایران و بولیوی و سایر کشورهای سرمایه داری رخ داده است نمونه های روشنی از این دست هستند. کارگران همه کشورهای جهان تحت سلطه سرمایه داری دارای یک سرنوشتند و راهی جز متشکل شدن در حزبشان و بر انداختن این نظام ضد بشری و استقرار سوسیالیسم ندارند. راهی جز این برای رهایی متصور نیست.

حزب کار ایران (توفان) ضمن ابراز همبستگی با خانواده های جانبازان معدن زغال سنگ سوما و همه کارگران و زحمتکشان ترکیه ، مسببین این فاجعه مصیبت بار را که جز دولت سرمایه داری اردوغان و سرمایه داران زالو صفت ترکیه نیستند، بشدت محکوم میکند و همگان را به همبستگی با کارگران ترکیه فرامی خواند.

زنده باد همبستگی با کارگران ترکیه!
مرگ بر رژیم سرمایه داری ترکیه!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!
حزب کار ایران (توفان)

پنجشنبه بیست و پنجم اردیبهشت ۱۳۹۳

www.toufan.org

خلاصه ای از پیام همدردی بخشی از تشکل های کارگری ایران با کارگران ترکیه

..... ما بعنوان بخشی از کارگران ایران متشکل در سندیکای کارگران نقاش استان البرز، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ، کمیته دفاع از کارگران زندانی مهاباد، جمعی از کارگران و فعالین کارگری سنجندج به همراه تعدادی از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران با دلی پر خون و چشمان گریان کشته شدن کارگران معدن سوما در ترکیه را نه حاصل حوادث کار بلکه آن را جنایت کارفرمایان و دولتشان علیه کارگران قلمداد می کنیم ، ضمن ابراز همدردی با خانواده کارگران قتل عام شده و طبقه کارگر ترکیه، از تمامی تشکل های کارگری ، سازمانها و فعالین انقلابی و مردم آزادیخواه می خواهیم کارفرمایان و نهاد های دولتی که برای کسب سود بیشتر وسائل ایمنی را کم می کنند و در خصوص کشته شدن کارگران در معدن سوما کار فرمای شرکت سوما و مسئولین دولت ترکیه را برای محاکمه بعنوان عاملین و آمرین جنایت علیه بشریت به دادگاه بکشانند. و از تمامی کارگران و تشکل های کارگری در جهت پایان دادن به کشته شدن کارگران بطور متحدانه و هماهنگ حوادث کار را بعنوان جنایت علیه کارگران در محل کار دانسته و در جهت پایان دادن به آن مبارزه کنند. فراموش نکنیم اگر متحدانه و گسترده علیه جنایات در محل کار فعالیت نکنیم، کار فرمایان برای افزایش سود سرمایه با کمتر و کمتر کردن ایمنی کار کارگران بیشتری را به قتل خواهند رساند.

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

نوزده اردیبهشت، نهم ماه مه ۲۰۱۴؛ ۶۹ نهمین سالروز پیروزی برفاشیسم بر همه مردم صلحدوست جهان مبارک باد!



علت بروز این جنگ و ظهور فاشیسم هیتلری چه بود؟

جنگ جهانی دوم (همینطور جنگ اول جهانی) مولود نظام سرمایه داری امپریالیستی بود. کاهش عظیم تولیدات صنعتی، در آمریکا در سالهای ۱۹۲۹-۱۹۳۳ همچنین کاهش تولیدات صنعتی در اروپا و بحران بیکاری (بیش از ۳۵ میلیون بیکار در آمریکا، فرانسه و انگلستان، آلمان، هلند، بلژیک ایتالیا، ژاپن.....) علت بروز جنگ بود. جنگ برای حل بحران و تقسیم مجدد جهان بود.

هیتلر نماینده کدام طبقه وایدنولوژی بود؟

هیتلر نماینده راست ترین جناح انحصارات امپریالیستی آلمان بود. وی نه دیوانه بود و نه یک پدیده تصادفی ماوراء طبقاتی. مهمترین وظیفه هیتلر نابودی شوروی سوسیالیستی، جنگ انداختن بر ثروتهای ملی این کشور، ریشه کن کردن کمونیسم... و سپس تسلط کامل آلمان بر اروپا و جهان و برقراری نظم نوینی جهانی بر اساس ایدئولوژی فاشیسم.

چرا نبرد استالینگراد تعیین کننده بود؟

نبرد استالینگراد یکی از سرسختانه ترین نبردها میان ارتش سرخ و ارتش نازیها بود. نبرد استالینگراد، ۲۰۰ روز بدراز کشیده شد. تجاوزکاران نازی بیش از یکصد هزار بمب بر سر مردم فرو باریدند و بیش از یک میلیون و چهارصد هزار گلوله توپ و نارنجک بر علیه شهر استفاده شد. ارتش نازی در این جنگ یک میلیون و پانصد هزار سرباز و درجه دار و افسر از دست داد، در مقابل، ارتش سرخ، ۴۷۸۷۴۹ کشته و ۶۵۰۸۷۰ نفر مجروح داشت. نبرد استالینگراد با درهم کوبیدن ستون فقرات فاشیسم که تعیین کننده پیروزی بر هیتلر بود، بعنوان یک دستاورد عظیم حماسی و بشری در تاریخ ثبت گردید. بشریت صلحدوست جهان به حماسه آفرینان استالینگراد و رهبر خردمند ارتش سرخ، استالین مدیون است.

هزینه این جنگ "ارزان" کدام است؟

جنگ جهانی دوم (۱۹۳۸-۱۹۴۵) ۵۵ میلیون کشته، و بیش از صد میلیون مجروح برجای گذاشت. هزینه جنگ "فقط" چهار تریلیون دلار بود. درنبرد علیه دیو فاشیست آلمان هیتلری ۲۷ میلیون نفر از خلق قهرمان شوروی جان باختند. برای سرمایه داری جان این ۲۷ میلیون نفر که تحت رهبری ارتش سرخ درنبرد با هیولای فاشیسم جان باختند بی ارزش است. دردرس مدارس این کشورها به جعل و تحریف حقایق تاریخی می پردازند و سخنی از نبرد حماسی استالینگراد و شهادت نمى رود، اما تا دلتان بخواهد به رهبر این نبرد حماسی که صلح را برای جهانیان به ارمغان آورد لجن می پاشند و در عوض جنگ افروزان امپریالیست غرب را بعنوان منادیان "صلح و آزادی و دموکراسی". به خورد دانش آموزان میدهند و به شستشوی مغزی جوانان و عموم مردم می پردازند.....

راز پیروزی برفاشیسم کدام است؟

بی تردید مهمترین عوامل این پیروزی معجزه آسا را باید در رهبری خرمندانه حزب کمونیست شوروی و اسپارتاکوس زمان رفیق استالین، پیوند تنگاتنگ با مردم و روابط صمیمانه و برادرانه میان ملل اتحاد شوروی سوسیالیستی، سیستم عادلانه کشور، وحدت ملی و وحدت درونی حزب و وحدت فرماندهی نظامی دانست. چنین است مختصری از راز پیروزی برفاشیسم.

زنده باد استالینگراد!

نابود باد امپریالیسم، سرمایه داری و فاشیسم!

پیشروی آغازین ارتش نازیهای اروپا، که با قتل عام ناجوانمردانه دهها هزار کارگر کلخوزی همراه بود! سرمایه داران جهان را بوجد آورد. تبلیغات رسمی نازیها، بخاطر درهم شکستن روحیه دنیای فقر و فقیران، بمراتب بیش از آن چیزی بود که رخ میداد. سرمایه داری میکوشید تا با برجسته کردن دروغین « پیروزیهای » خود در جنگ، خیزشهای بعدی کارگران و بینوایان را، پیش از وقوع، خفه کند! دیری نپائید که جنگهای دفاعی دیکتاتوری پرولتاریا پیشروی نازیسم را ترمز کرد، در تعرضی متقابل پوزه اروپای نازی را بخاک مالید. نبرد جانانه استالینگراد بر سر زبانها افتاد... برگرفته از بیانیه حزب کار ایران (توفان) به مناسبت ۶۹ نهمین سالروز پیروزی برفاشیسم

یاد داشتهای کوتاه سیاسی

گلچینی از فیسبوک



ژنو و توافق استعماری

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی حتی به اعتراف خودش به هیچکدام از خواستههایش در ژنو نرسیده است. بر تمام ادعاها و خواستههای صهیونیسم و امپریالیسم صحنه گذارده است و در مقابل چه چیزی دریافت کرده است؟ هیچ چیز. تحریمهای غیر قانونی به قوت خود باقی می مانند. امپریالیست آمریکا بخشی از ثروت ایران را که بطور غیر قانونی مصادره کرده است ذره ذره پس می دهد و بر هزینه کردن آن نظارت می کند. ... این پولها باید خرج خرید کالاهای مورد نیاز از بازارهای امپریالیستی شود. اساسا معلوم نیست که این پولها به ایران داده خواهد شد یا خیر. امپریالیستها آنها را برای خرید کالاهای مورد نیاز ایران به ابر شرکتهای امپریالیستی داده و پولش را به جیب خود می ریزند. آنها به صراحت می آورند که تنها به رفع تحریمهای زیر، بتدریج و تحت نظارت امپریالیستی که مفهموش همان گروکشی و فشار است تن خواهند داد:

" تعلیق تحریمهای آمریکا بر صنعت خودرو و تعلیق تحریمهای خدمات مرتبط."

صدور گواهی عرضه و نصب قطعات یدکی برای ایمنی پرواز هواپیماهای غیر نظامی ایران و خدمات مرتبط.

صدور گواهی بازرسیهای مرتبط با ایمنی و تعمیرات در ایران و همچنین خدمات مرتبط.

مردم ایران باید بدانند که این پیمان یک سند خفت انگیز تسلیم بی قید و شرط است تا امپریالیستها با ادامه سلطه آخوندها در ایران موافقت کنند. این سند همه دستاوردهای مردم ایران را در این مدت، تمام سرمایه های هزینه شده در این عرصه را بر باد داده است و به اوامر استعماری امپریالیسم جهانی گردن نهاده است. و این هنوز از نتایج سحر است. کشور ما ایران هیچ حاصلی از این توافق استعماری ندارد.

چرا اینهمه سکوت در قبال اینهمه جنایات فاشیستی؟



گروههای نئوفاشیستی در شهر اودسا با چراغ سبز امپریالیستهای غربی، ساختمان شورای کارگران در این شهر را که مردم بدان پناه برده بودند، به آتش کشیدند و بیش از ۱۰۰ نفر در آتش این حمله وحشیانه سوختند.... از جمله "وادیم نگاتوروف"، شاعر اوکراینی، که در این فاجعه همراه با بقیه بود زنده زنده سوخت. اتحادیه اروپا و آمریکا فرمان سکوت به جعبه های جادویی مدیای تحت کنترل خود دادند تا مردم از اینهمه بربریت ضدبشری که یادآور دوران فرمانروایی هیتلر است بی خبر بمانند. سکوت رسانه های غربی در قبال این جنایت هولناک ضد بشری همدستی با نئوفاشیستهاست و جز این نیز نمی باشد

.....

نسل جدید! نسل قدیم!

این راسته که با تقلید طوطی وار و در سطح ماندن نمی توان دانشی را آموخت و راه گشا بود. اصولی ترین راه برای کسب دانش و آگاهی سیاسی راه مطالعه و تفکر و تعمق و بهره بردن از تجارب دیگران است، تجاربی که به سختی در زندگی بدست آمده اند. استفاده صحیح از تجارب دیگران یعنی شنا کردن در اقیانوس حوادث بدون خیس شدن! ... نسل جوان نمی تواند بی اعتنا به تجارب خونین و گرانمایه های نسل گذشته که انقلابات و قیامهای اجتماعی را برای آزادی و استقلال، خوشبختی و سعادت از سر گذرانده، باشد. چنین راهی بی راهه است. دامن زدن به بدبینی و تفرقه و دشمنی در قالب نسل «جدید و قدیم!» توطئه ارتجاع و امپریالیسم است

تجزیه کشور به بهانه رهایی دختران نیجریه

تاکنون چنین بوده و چنین نیز ادامه خواهد داشت که پشت هر دلسوزی «حقوق بشری، آزادی خواهی، حمایت از حقوق زن و کودک، ممانعت از قتل عام غیر نظامیان و جنگهای قومی و مذهبی».... منافع مالی و ژئوپولیتیکی پنهان است که توسل به جعبه های جادویی رسانه های غربی تئوریزه و به خورد مردم داده میشود. تجاوز به عراق، افغانستان، لیبی و سوریه و سودان و مالی..... نمونه های روشنی از این دست هستند. نیجریه در آتش تضادهای طبقاتی، فساد و فقر و آلودگیهای محیط زیستی میسوزد این درحالیست که در این کشور نزدیک به دو میلیون بشکه نفت در روز تولید میشود. انعکاس نزاع مذهبی و قومی، مسیحی و اسلامی و لاپوشالی کردن علل اصلی تضادهای اجتماعی و دخالت شرکتهای چندملیتی در این کشور و غارت ثروتهای طبیعی و برجسته کردن گروههای «زن ستیز و حمایت از دختران ربوده شده و مبارزه با تروریستهای اسلامی».... ترفندهای شناخته شده ای است که در تجزیه سودان و سایر کشورها شاهدش بوده ایم.

هواپیماهای آمریکا روز دوشنبه بر فراز نیجریه به پرواز درآمدند. کاخ سفید اعلام کرد که نظامیان ایالات متحده آمریکا برای یافتن و نجات دختران ربوده شده توسط بوکوحرام در نیجریه وارد عمل شده اند. در مجموع سی نفر از وزارت خارجه، وزارت دفاع و اف بی آی به نیجریه اعزام شده اند و همینطور ده تن از برنامه ریزان پنتاگون نیز که در این کشور حضور داشتند به آنان می پیوندند.

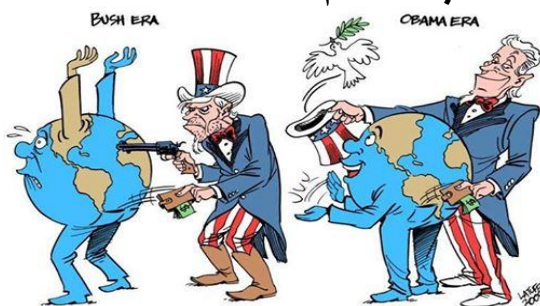
فرانسه اعلام آمادگی کرد که برای نجات جان دختران ربوده شده وارد عمل شود و همسر سارکوزی مانند همسر باراک اوباما، یکی سیاه پوست دیگری سفید پوست، «برچم رهایی دختران» نیجریه را برافراشتند!!!

اگر دل خانم اوباما برای دختران و کودکان نیجریه ای میسوزد پس چرا قتل عام زنان و کودکان افغانی و پاکستانی را توسط هواپیماهای بی سرنشین مورد حمایت قرار میدهد؟ چرا کشتار زنان و کودکان لیبی را توسط ناتو مورد حمایت قرار داده است؟ چرا از جنگ نیابتی در سوریه

و نیروهای زن ستیز القاعده به حمایت برخاسته است؟.....بیشتری بس است!

فربیب تبلیغات دروغین جعبه های جادویی امپریالیستی را نخوریم، بو، بوی نفت و تجزیه نیجریه می آید، بوی تعفن دخالت امپریالیستی، بوی اشغال و غارت و خون به بهانه نجات دختران ربوده شده

امپریالیسم ببر کاغذی است



امپراطوری جهان به سرکردگی امپریالیست آمریکا میخواد سلطه ترس و ناامیدی و انفعال و «شکست ناپذیری اش» را بر مردم جهان حاکم گرداند. تن دادن به این تهاجم ایدئولوژیکی به معنی تسلیم در مقابل آدمخواران جهانیست. امپریالیسم درشای... ط کنونی نیروی قوی و برتر است اما در استراتژیک و بعد تاریخی یک ببر کاغذی است و چون مقوا فرومی پاشد. شکست امپریالیسم ژاپن در چین، شکست امپریالیست فرانسه در الجزایر، شکست امپریالیست آمریکا در ویتنام، شکست امپریالیست آلمان و متحدینش در جنگ جهانی دوم توسط ارتش سرخ..... همه گواه بر شکست پذیری این نیروی میرنده و ارتجاعی حکایت دارد. مبارزه متشکل توده های میلیونی تحت ستاد رهبری اش، امپریالیسم را با همه قدر قدرتی اش به شکست می کشاند

عجب روزگاری ، همه کارگریم!!

سخنرانی آیت الله خمینی به مناسبت روز کارگر را در آغازه قدرت رسیدن حاکمیت جمهوری اسلامی، بیاد داریم که گفت: «خدا هم کارگر است، مورچه هم کارگر است، لاکن ما همه کارگریم!.....»

حالا ببینید کار به کجا کشیده است که حتا رضا ... نیم پهلوی هم امروز مدعی دفاع از حقوق کارگر است و به مناسبت اول ماه مه از «حق اعتصاب و اعتراض بعنوان یک اصل حقوق بشر» اعلامیه صادر میکند و خود را حامی طبقه کارگر جلوه میدهد و از منافع ملی سخن میگوید!! این درحالیست که اوسالهاست از قبیل دسترنج کارگران و ثروت دزدیده شده مردم ایران در خارج کشور به عیش و نوش مشغول است و در قصرهای مجلل دوران «رنج دوری از وطن» رامیگذراند!!

اما کارگرایانی تاکنون با انقلابات و قیامهایشان نشان داده است نه شاه مفتخوری میخواد و نه شیخ مفتخور. نه شاه جبار نه شیخ مکار. این هر دو دشمن کارگر، انگل صفت و هیچ ربطی به کارگر و ملت ندارند

دوجناح دوروی یک سکه



سیاست سربریدن "دولت مهرورز احمدی نژاد با دشنه کند و سیاست سربریدن روحانی با پنبه تدبیر" هیچ فرقی به حال کارگران نمی کند. هر دو سیاست پیروی از بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای سربریدن و به هلاک رساندن محرومان جامعه است و بس. اختلافات درونی جناحهای رژیم اختلاف بر سر تقسیم عادلانه ثروت بین فقرا نیست بل برای چاپیدن بیشتر و فربه تر کردن اغنیاست.

فراموش نکنیم مذاکرات سری آمریکا با رژیم جمهوری اسلامی از زمان احمدی نژاد، یعنی از اوایل سال ۲۰۱۱ شروع شده است و ربطی به انتخابات روحانی ندارد. این توافقات سری تنها بر سر مسئله هسته ای نیست. بر سر یک بسته پیشنهادی است که شامل سیاست خارجی ایران در منطقه و جهان، ایجاد شرایط پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و پذیرفتن پیشنهادات اسارت آور بانک جهانی، سازمان تجارت

جهانی، لیبرالیزه کردن کل اقتصاد ایران با تکیه بر نظم زدائی، خصوصی سازی منابع ملی، حذف یارانه های دولتی، حذف همه خدمات اجتماعی و پرورش طبقه ای نیازمند نان در جامعه ایران است که حاضر باشد در بدترین شرایط تحمیلی، برای سرمایه های امپریالیستی که به ایران سرازیر می شوند، کار کند. رژیم روحانی شرایط را برای اسارت ایران فراهم می کند. این تحمیل و فشار نیازمند سرکوب طبقه کارگر و مردم ایران است. آقای روحانی فقط اصلاحاتی انجام می دهد که پای سرمایه گذاری امپریالیستی را به ایران باز کند و بیانیته بانک جهانی را بپذیرد. این گونه اصلاحات، نظر آمریکا را نیز تامین می کند. لیکن این نوع اصلاحات، برسمیت شناختن حقوق دموکراتیک مردم را در بر نمی گیرد. تفاوت جناح اصلاح طلب و محافظه کار جمهوری اسلامی تفاوت بین وبا و طاعون است!

امپریالیستهای غربی همدست باندهای فاشیستی در اوکراین

آنچه در اوکراین می گذرد مربوط به یک سیاست داخلی و نزاع متعارف سیاسی نمی شود. این یک تجاوز آشکار و تعرض امپریالیستهای اروپای متحد و آمریکا و متحدانشان، استرالیا و ژاپن.... برای ترسیم جغرافیای... سیاسی - اقتصادی قرن حاضر و ممانعت از عروج رقبای جدیدی نظیر چین و روسیه در بازار جهانی است. غرب همدست فاشیستها در به آتش کشیدن خانه اتحادیه ها در ادسا و سوزاندن دهها نفر از شهروندان روس زبان است. سکوت در قبال این توحش و بربریت ضد بشری شایسته یک انسان دمکرات و ضد فاشیست نیست. امروز امپریالیستهای غربی و در راسش آمریکا خطر عمده برای صلح در اروپا و جهان هستند

سقوط امپراطوری

روزگاری امپریالیست هار آلمان تحت رهبری هیتلر فاشیست سودای آقایی بر کل جهان راداشت که با مشت کوبنده کمونیستها و در راس آن اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در هم پیچید و کاخ ظلم و بربریت فاشیسم فروپاشید. اینک نوبت ابر قدرت امپریالیستی آمریکاست که سودای حکومت فاشیستی و آقایی بر جهان دارد. اما این ابر قدرت متجاوز، ریکار، تروریست، جاسوس و ناقض حقوق اساسی انسانها و حقوق ملل... نیز همانند آلمان هیتلری با مشت کوبنده کمونیستها و همه خلقهای جهان در هم خواهد شکست و جزاین نخواهد شد

ببخش و فراموش کن!

اینروزها مدرن است که از کیسه خلیفه ببخشند. اینها هوادار «آشتی ملی» و تغییر امت به ملت هستند، میگویند: هرچه بود گذشت، ببخش و فراموش کن! این جماعت خواهان کنار آمدن با عفریت داخلی اند و «جامعه جهانی را» - بخوانید عفریت خارجی، امپریالیسم جهانی را! - را نه دشمن ملت ایران بلکه دوست ملت و موافق حقوق بشر می پندارند. برای اثبات افکار پریشانیشان از سازش نلسون ماندلا با سفیدپوستان آفریقای جنوبی و قتل عام رواندا نیز که این روزها در حال ماستمالی شدن است، مدد میگیرند. اینها مخالف سرسخت حسابرسی و محاکمه جلادان حاکم بر میهن هستن، زیرا خودشان روزگاری شریک قاتلان و سربریدن انقلاب مردم ایران بودند

مبارزه سیاسی، یا به سیم آخر زدن سیاسی؟

برای عده ای مبارزه علیه جمهوری اسلامی با هر ایزار و اتحاد با هر نیروی سیاسی مجاز است، حتی در بوزگی در درگاه امپریالیسم و صهیونیسم. بازار آکسیون فرهنگی و اعتراض به حجاب اجباری اسلامی نیز با چاشنی مبارزه متمدنا... نه فرهنگی داغ است. این عده که سالهاست مورد ریشخند همگان قرار گرفته اند از برهنگی و سکسیسم فضیلتی ساخته خود را پرچم دار مبارزه برای تحقق «حقوق زنان» محسوب میکنند. غافل از اینکه به چنین شیوه ای میگویند به سیم آخر زدن سیاسی، نه یک مبارزه متین سیاسی

حقوق بشر!

عده ای خود فروخته کاسبکار سیاسی چنان محکم به زین اسب منافعشان چسبیده اند که راه خوشبختی خود و مردم ایران را در تپه پیرماهییت غارتگران بین لملی می بینند و بی شرمانه از دخالت بشردوستانه و آزادی و دمکراسی در عراق و افغانستان و لیبی... سخن می گویند. این... یاوه گوینان کوتوله سیاسی از حقوق بشر امپریالیستی فضیلتی ساخته و به رسمیان اجانب آویزان شده اند. حقوق بشرشان تجزیه پذیر است شامل مردم عراق و افغانستان و لیبی و فلسطین.... نمیشود. زیرا با طرح اصولی حقوق بشر و محکوم کردن امپریالیسم و صهیونیسم نانشان آجر میشود

کمونیستها در عین حمایت از حقوق بشر باید مرزبندیهای خویش را با «بشر دوستی» کاذب بورژوازی و امپریالیستی روشن کنند. هرگز نباید مرز میان این بشر دوستی کمونیستی و امپریالیستی مخدوش شود. آنها که در پی مخدوش کردن مرز میان این دو نوع بشر دوستی هستند و عملاً نیز مرز میان سازمانهای مترقی بشر دوست و سازمانهای بشر دوست امپریالیست ساخته را می زدایند تلاش دارند در زیر نقاب بشر دوستی

همان جنایات کافمن را در ترکستان توجیه کنند. اعمال خشونت و آدمکشی آنها ضرورت تاریخی به حساب آمده و برای برقراری تعادل امپریالیست پسند مناسب است.

کمونیستها باید مبارزه برای حقوق بشر را با مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در دنیای کنونی پیوند زنند. شکنجه از نظر کمونیستها بد و خوب ندارد، حقوق اسرای جنگی و یا حتی جنایتکاران خدشه ناپذیر است. نقض حقوق ملل و تجاوز به عراق و افغانستان و یوگسلاوی ضدیت آشکار با حقوق بشر است و توسط دشمنان بشریت صورت می پذیرد. اشغال سرزمین قدس و تاراندن سه میلیون فلسطینی و نقض حق حیات مستقل آنها ضدیت با بشریت است و باید محکوم شود. نمی شود مطابق تبلیغات صهیونیستها و جاسوسان آنها که اسرائیل را کشور دموکراتیک می خوانند جنایت علیه خلق فلسطین را مورد تائید قرار داد.

حزب ما رهنمودش این است که در همه فعالیتهای مربوط به حمایت از حقوق بشر، باید با طرح شعارهای درست و افشاءگرانه دست ماموران خود فروخته امپریالیستها، ناسیونال شونیستها، خودفروختگان باز شود. باید روشن شود که مدافعین واقعی حقوق بشر چه کسانی هستند و چه کسانی کاسبکارانه در پی آن هستند تا جای ناقضین حقوق بشر را با یکدیگر تعویض کنند. حقوق بشر انتزاعی و مجرد وجود خارجی ندارد.

گزارش کوتاهی درمورد تظاهراتهای اول ماه مه



صحنه ای از تظاهرات اول ماه مه در استکهلم

تظاهرات اول ماه امسال نیز همانند سال گذشته بسیار باشکوه برگزار گردید. فعالین رفقای حزب کار ایران (توفان) همراه با حزب کمونیست سوئد (مارکسیست لنینیست) به راهپیمائی پرداخته و در تظاهرات با پرچم حزب مزین به تصاویر آموزگاران پرولتاریا، مارکس، انگلس، لنین و استالین شرکت کردند. فعالین حزبی با شرکت فعال و سازمان یافته خود و پخش بیش از هزار اعلامیه به زبان سوئدی و همین طور پخش بیانیه‌ی حزب به زبان فارسی، ویژه نامه حزب به مناسبت اول ماه مه و نشریات توفان در اجتماعات و تظاهرات گوناگون و با برگزاری میز کتاب و نصب آفیشهای افشاگرانه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان و آزادی فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی از یک سو و افشای امپریالیستها و در راسش امپریالیست جنایتکار آمریکا و دخالت بیشرمانه شان در امور داخلی کشور های از سوی دیگر.... و بحث و گفتگو با افراد علاقمند ایرانی و غیر ایرانی به روشنگری پرداختند.

تظاهرات رفقای حزب کمونیست سوئد همانند سال گذشته با شکوه بود. شعارهای مارش اول ماه مه تظاهرات حقیقتاً به دل می نشست، زیرا در سرلوحه شعارش، شعار جنگ طبقه علیه طبقه و فریاد نابود باد کاپیتالیسم و امپریالیسم و زنده باد سوسیالیسم قرار داشت.

شعارهای "بایکوت رژیم صهیونیستی اسرائیل و زنده باد فلسطین! سیاست ریاضت اقتصادی متوقف باید گردد! بایکوت انتخابات کذابی پارلمان اروپا و خروج سوئد از اتحادیهی امپریالیستی اروپا! مبارزه زنان مبارزه طبقاتی است! علیه فاشیستها و راسیستها در سوئ! و زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر سوئد با خلقهای تحت ستم جهان از جمله شعارهایی بودند که در طول تظاهرات فریاد زده می شد. این تظاهرات در میدان سرگل و با سخنرانی یکی از کادرهای حزب، فریدا یانسون با موفقیت به پایان رسید.

اول ماه مه و خوشرقصی برای بورژوازی امپریالیستی

حزب "چپ" سوئد حزب بورژوا رفرمیستی و پارلمانی سوئد است که روزگاری درگذشته دوران مبارزه طبقاتی دفاع میکرد و کمونیسم آرمانش بود. لیکن پس از سقوط دژ سوسیالیستی شوروی به ورطه رویزیونیسم و خیانت به طبقه کارگر این حزب نیز بدنبال خط خروشچف روان گشت و پس از چند انشعاب سرانجام به اوروکمونیسم و سپس به "حزب چپ" که تفاوت چندانی با حزب سوسیال دمکرات سوئد ندارد در غلطید.

در روز اول ماه مه فعالین حزب کارایران (توفان) در استکهلم در میدان "کونگس تردگوردن" با پهن کردن میز کتاب و نشریات توفان و برافراشتن پرچم حزب مزین به مارکس و انگلس و لنین و استالین و آفیشهای ضدجنگ امپریالیستی و افشای تجاوزات آمریکا به ویتنام، عراق و افغانستان و لیبی و سوریه و نگاه بسیاری از مردم را بخود جلب نمودند. توریستهای بسیاری از پرچم کلاسیکهای حزب عکس گرفتند و به گفتگو با رفقا پرداختند. لیکن این نمایش به مذاق مسئولین "حزب چپ" خوش نیامد و ابتدا بایان اینکه این میدان تحت مسئولیت آنها قرار دارد و هر نوع برقراری میزکتابی باید با اجازه آنها و در چهارچوب مقررات آنها صورت گیرد، خواستار جمع کردن بساط میزکتاب فعالین حزب کارایران (توفان) گردید که با مخالفت شدید رفقا روبرو شد. یکی از نمایندگان مجلس این حزب که حکم سخنگوی برگزاری اول ماه مه "حزب چپ" را به عهده داشت بند را آب داد و رک و پوست کنده بیان داشت که "اساس مخالفت آنها با میزکتاب حزب کارایران (توفان) نه اجازه پلیس و امر حقوقی قضیه بل مخالفت با "سمبلهای لنین و استالین" است که با مواضع "حزب چپ" نمی خواند و اگر فعالین حزب تصاویر لنین و استالین را جمع کنند می توانند میزکتاب خود را برقرار نمایند.

سخنگوی "حزب چپ" در مقابل پرسش منطقی رفقا مبنی بر اینکه این حزب سالها مدعی دفاع از "آزادی بی قید و شرط عقیده و مرام" بوده است چگونه مخالفت خود با دوربر بزرگ کارگران جهان لنین و استالین را توجیه میکند و آیا این امر مغایر با آزادی بیان و عقیده نمی باشد. وی با لبخندی بر لب پاسخ داد: "که ما سالهاست با این سمبلها خدا حافظی کرده ایم و اکنون بحث در این مورد بی فایده است."

این امر یکبار دیگر دست تمامی ضد کمونیستها را که از آزادی بی قید و شرط سخن می گویند و دروغ تحویل مردم میدهند را رومیکند. این نشان میدهد که مارکسیسم بر خلاف این قبیل نظرات غیر طبقاتی، دولت را طبقاتی و تاریخی و ارگانی در دست یک طبقه علیه طبقه و یا طبقات دیگر ارزیابی میکند. در جامعه ای که مالکیت سرمایه داری وجود دارد، نمی توان از آزادی، استقلال و حاکمیت واقعی توده های رنج و کار سخن گفت. تقویت ارتجاع در همه زمینه ها که از ویژه گی واقعیت کنونی کشورهای سرمایه داریست، بی پایه بودن به اصطلاح دموکراسی بورژوازی را نشان میدهد. و حتی آن حقوق ناچیزی که در اثر پیکار تاریخی و طبقاتی ستمیگران بر بورژوازی تحمیل شده و او برای زحمتکشانش قائل است، کاملاً ناپایدار و نامطمئن هستند. زیرا بورژوازی هرگاه ببیند پایه های حکومتش به لرزه در آمده است، با متوسل شدن به قهر و خشونت، آزادی و حقوق زحمتکشانش را زیر پا می نهد و دیکتاتوری از نوع فاشیستی برقرار میسازد.

در دوران امپریالیسم که انحصارها بر اقتصاد جامعه فروانروائی دارند ناگزیر دردنیای سیاسی نیز تغییراتی بوقوع می پیوندد و دموکراسی را بسوی ارتجاع سوق میدهد. برای محدود ساختن آزادیهای مندرج در قانون اساسی قوانین ارتجاعی جدید بتصویب میرسد، دولت پارلمانی به دولت نظامی پلیسی بورژواکراتیک تبدیل میگردد، دستگاه دولتی بورژوائی، ارتش، پلیس، سازمانهای جاسوسی بعبارت دیگر تمام ارگانهای لازم برای نظارت عقاید و اعمال افراد جامعه و سرکوب مقاومت آنها، دامنه وسیعی بخود میگیرد و تقویت میشود. در دوران امپریالیسم، دموکراسی بورژوائی که زمانی برای تسلط بورژوازی کافی بود به مانعی در راه تحقق سلطه بورژوازی تبدیل میگردد، بورژوازی دیگر نمی تواند مانند سابق به شیوه های پارلمانی و دموکراتیک حکومت کند. این است که چارچوب قوانینی را که خود وضع کرده می شکند و به توده زحمتکشانش دندان نشان میدهد. در این میان احزاب رفرمیست چپ آتش بیاران معرکه هستند و در چشم مردم خاک می پاشند و با دروغ و برای کسب چند کرسی در پارلمان در مقابل کمونیسم می ایستند و به خوشرقصی برای بورژوازی می پردازند. برخورد "حزب چپ سوئد" نیز با فعالین حزب و مخالفت با تصاویر لنین و استالین در همین چهارچوب قابل تبیین است. شعار آزادیهای بی قید و شرط فریب مردم است و بس!

دفاع از ایران تریبونال امپریالیستی شرم آور است

فعالین حزبی درحین پخش نشریات و اعلامیه های حزبی در اول ماه مه با برخی از عناصر ضد کمونیست هوادار جریاناتی که در "ایران تریبونال" فعالیت داشته ویا دارند روبرو شدند و در مقابل فحاشیهای آنها که نشان از ضعفشان است، به ماهیت ارتجاعی این سازمان پرو امپریالیستی پرداختند. یکی از این مفتر عیان ضد کمونیست که خود را پشت "کانون زندانیان سیاسی" پنهان کرده و هوادار شرمگین جریان شبه ترنسکیست اقلیت بود، به توجیه دریافت کمک مالی از دولتهای امپریالیستی پرداخته و با اشاره به اثر جاودانه لنین بنام "بیماری کودکی

چپروانه در کمونیسم" دم از مجاز بودن مصالحه و یا تبدیل جنگ به جنگ زده است. به این اپورتونیست دلال صفت پاسخ دادیم که از نگاه حزب ما دریافت پول و کمک مالی به هر شکل در گذشته چه از رژیم عراق و یالویی، رویونیستهای چینی و یا روسی... نادرست و ارتجاعی بوده است. توضیح دادیم که امپریالیست آمریکا و هلند بطور رسمی و صهیونیستهای اسرائیل به صورت غیر رسمی به اپوزیسیون تقلبی ایران اعم از "چپ" و راست کمک مالی کرده اند و این کمک مالی حتما پیش شرطهایی دارد و این پیش شرط در شرایط کنونی همانا عدم موضع گیری در قبال جنگ طلبی امپریالیسم، تحریم اقتصادی ایران و جدا ساختن مبارزه دموکراتیک از مضمون ضد امپریالیستی است که باید به صورت معیوبی درآید تا باب طبع امپریالیستها گردد. ایجاد سازمانهای غیر دولتی در ایران که از مبارزه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی طفره می روند و در مورد جنایات آمریکا در عراق و افغانستان و فلسطین و لبنان و لیبی سکوت می کنند، ابو غریب و گوانتانامو را به فراموشی می سپارند، مخالف خروج بی قید و شرط متجاوزین از خاک عراق و افغانستان هستند، از محکوم کردن اپوزیسیون سوریه و ارتش آزاد" طفره میروند... و مدعی می شوند این مسایل به ما مربوط نیست از این قماش اند. گفتیم اگر ایران تریبونال ریگی در کفش نداشت از موضع گیری علیه امپریالیسم طفره نمی رفت و تحریم جنایتکارانه اقتصادی علیه ایران را محکوم میکردو با آقای پیام اخوان که موافق بمباران و تجزیه یوگسلاوی و محاکمه میلوسویچ در تریبونال امپریالیستی هاگ بود، همکاری نمی نمود....

گفتیم اینان با چنین مواضع سیاسی در عمل خواهان تجاوز امپریالیستها به ایران هستند. مخالفت آشکار و روشن با تجاوز امپریالیست به ایران منابع مالی و تبلیغاتی آنها را می خشکاند. آنها در جبهه جهانی ضد جنگ خرابکاری کرده اند، بجای تمرکز نیرو برای ممانعت از جنگ و تجاوز به ایران، سرنگونی رژیم ایران را همزمان با تجاوز امپریالیستها و صهیونیستها در دستور کار خود قرار داده بودند، و نعره می زدند که باید جنگ را به جنگ داخلی بدل کرد....

مردم ایران به این جریانهای گدا صفت اعتمادی نخواهند کرد. و این امر نیز چیزی نیست که پنهان بماند. بهر صورت در فردای انقلاب ایران و یا در روند انقلاب ایران مردم ایران خواهند فهمید که سر و ته این جریانها به کجا بند است و از آنها سلب اعتماد می کنند. دریافت کنندگان این کمکها نوکران امپریالیستند و می خواهند مردم ایران را بزیر یوغ رقیت جهانخواران درآورند. هواداران "ایران تریبونال" چع آگاه باشند و یا نباشند عمل اجتماعیشان در خدمت امپریالیسم و جز این نیز نمی باشد.

راهپیمائی در آمستردام

تظاهرات اول ماه مه در آمستردام. فعالین حزب کار ایران (توفان) با پرچم مستقل خو در این راهپیمائی شرکت و همبستگی خود را با کارگران جهان اعلام داشتند شایان ذکر است که روز جهانی کارگر در هلند روز تعطیل رسمی نیست و در همین رابطه رفقای کمیته میز کتاب آمستردام با انتشار تراکتی خواهان رسمی شدن چنین روز تاریخی در هلند گردیدند. این راهپیمائی با موفقیت پایان یافت. شدند.



تظاهرات اول ماه مه امسال (۲۰۱۴ میلادی) در پاریس

گزارش دریافتی از رفقای حزبی در فرانسه

طبق معمول، امسال هم دهها هزار نفر از شهروندان پاریس، زن و مرد، پیر و جوان، گروه ها و انجمن ها مترقی، سازمان ها و احزاب انقلابی و کمونیست، آمریکائی و اروپائی و آسیائی و آفریقائی، متحد و یکپارچه و مغرور، از جمله حزب برادر ما (حزب کمونیست کارگران فرانسه)، ایضا یک کمیته موقت ایرانی برای برگزاری اول ماه مه، با فراخوان سندیکاهای کارگری فرانسه، به خیابان آمده و در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند.

دولت والس (نوعی « حکومت جنگی » ! که باید با آن پیکار کنیم. نقل از بیانیه حزب کمونیست کارگران فرانسه:
چندی پیش و در انتخابات شهرداری ها، محله های کارگری و توده ای، با یک پیام سیاسی و روشن... بشدت سیاست جاری اولاند و حکومت اش ظرف دو سال گذشته را محکوم کردند. در پاسخ والس برای تشکیل یک کابینه جدید، نوعی « حکومت جنگی »! فراخوانده شده شد تا با خشونت بیشتر، تحقق همان سیاست لیبرال و ریاضت کشی را دنبال نماید... پنجاه میلیارد ارو به حساب کارکنان دولت و خدمات اجتماعی، مناطق، بازنشسته ها، بیمه های اجتماعی، به حساب تمام مزدبگیران صرفه جوئی کند...
عاقبت سوسیال دموکراسی، با نمایندگی اولاند و والس در دولت، سلاح بر کشیده و در صف لیبرالیسم جنگی قرار گرفت است: در کنار مدف (همان سندیکای کارفرمایان بزرگ فرانسه) و سرمایه... جهت « کاهش کسری بودجه » و « تنزل ارزش کار ».
اراده نبرد، پتانسیل مبارزه کم نیست! صدای انتقاد در همه جا هست... حتی در دل حزب سوسیالیست... نه فقط در فرانسه، بلکه در تمام کشورهای اروپا، فریاد خشم بر علیه ریاضت کشی تحمیلی به همه خلق ها در اتحادیه اروپا بالا گرفته... در یک چنین شرایط سیاسی است که انتخابات اروپا در ۲۵ ام ماه مه برگزار خواهد شد... فراخوان حزب ما در این کارزار، همراه با جبهه چپ، مبارزه بر علیه اروپای ریاضت کشی، علیه اروپای ارتجاع... در مسیر همبستگی بین المللی طبقه کارگر و خلق هاست، شعار در تظاهرات اول ماه مه، روز مبارزه و اعلام انترناسیونالیسم پرولتاریائی، نیز همین است.

شرکت ایرانیان مبارز در تظاهرات اول ماه مه در پاریس

مطابق با فراخوان «کمیته موقت برگزاری اول ماه مه» ده ها نفر از ایرانیان مبارز در راهپیمایی در پاریس شرکت کردیم و نفرت طبقاتی خود را نسبت به نظام سرمایه داری در طول تظاهرات ابراز داشتیم. با آنکه هوای مناسبی در چارچوب تظاهرات اول ماه مه موجود نبود، ولی استقبال ایرانیان از صفوف چپ سوسیالیسم انقلابی، امیدها را بارور نمود. ما برآنیم که ارزش های چپ انقلابی را در پاریس حفظ نماییم و از آرمان های جنبش کارگری قاطعانه دفاع نماییم. راهپیمایی اول ماه مه پاریس از میدان باستیل آغاز و در میدان ناسیون پایان یافت...

زنده باد اول ماه مه

پیروز باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران ایران
سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

کمیته موقت برگزاری اول ماه مه در پاریس

.....

گزارشی از فعالین حزب در کانادا و آمریکا



امسال همچون سالهای قبل ، علیرغم آنکه ماه مه در آمریکای شمالی برسمیت شناخته نشده است ، تظاهراتها و جلسات و سخنرانی های متعددی در گرامی داشت این روز جهانی برگزار شدند.

در آمریکا، در شهر های لوس آنجلس ، شیکاگو ؛ نیویورک ؛ دیترویت ، واشنگتن ، فیلادلفیا ، سیاتل ، اوکلند ، تمپا ، ... روز کارگر جشن گرفته شد. هزاران نفر در تظاهراتهای ماه مه شرکت داشتند و مطالبات "افزایش دستمزد" ، "افزایش حد اقل دستمزد" ، " بیمه بهداشتی برای همه " ، " هیچ انسانی غیر قانونی نیست" ، " اخراج " غیر قانونی ها " را متوقف کنید" ، " نه به جنگ" ، "به نژادپرستی در کشور پایان دهید" ، " برنامه های اجتماعی را حذف نکنید" ، " پول به حساب سرمایه داران نریزید ، به حساب صندوق برنامه های اجتماعی بریزید" ، ... را درخواست نمودند. در تظاهرات شیکاگو برای اولین بار در طی دو دهه گذشته ، بر روی پرچمی عکسهای مارکس-انگلس-لنین – استالین دیده میشدند.

در کانادا ، در شهرهای مونترال ، اتاوا ، تورنتو، کوپک ، ادمنتون ، ونکوور ، کالگری ، و چندین شهر دیگر تظاهراتهای باشکوهی برگزار شدند که علیه فقر ، نژادپرستی، شکاف طبقاتی ، حذف برنامه های اجتماعی ، و ... موضع روشنی را بیان میکردند.

گزارشی از رفقای حزب در آلمان

امسال اول ماه مه در ۴۹۳ منطقه برگزار شد در این تظاهراتها ۴۰۳ هزار نفر شرکت کردند. موضوع اصلی سخنرانان انتخابات اروپا و حقوق پایه بود سندیکاها خواستار این شدند که در انتخابات پارلمان اروپا که ۲۵ ماه مه برگزار خواهد شد به احزاب نژاد پرست رای ندهند . دبیر اتحادیه سندیکاهای آلمان میکائیل سومر در تظاهرات کلن با دفاع از سیاستهای دولت در تعین حقوق پایه گفت، نظامی که ثروتمندان را ثروتمند و فقرا را فقیرتر می کند باید عوض بشود. در تظاهرات اول ماه مه فرانکفورت هم بیش از ۵ هزار نفر شرکت کردند سخنران اصلی تظاهرات فرانک بیسرسکر دبیر سندیکای خدمات اجتماعی بود وی با بیان اینکه در حال حاضر دستمزد ۵ میلیون ۵ هزار نفر کمتر از ۸/۵ ابرو ۵۰ سنت و یک میلیون نفر پائینتر از ۵ ابرو می باشد افزود حقوق قانونی پایه یعنی ۸/۵ ابرو باید تمام کارگران را در بر گیرد. در اول ماه مه امسال شرکت جوانان چشم گیر بود که بادن شعار و حمل پلاکاردهایی در رابطه با کار و تحصیل و آینده خواسته هایشان را بیان کردند . هواداران حزب کار ایران (توفان) هم در شهرهایی که فعالیت دارند با پخش اعلامیه حزب در رابطه با اول ماه مه به زبان آلمانی و فارسی و پخش نشریه توفان در این تظاهراتها به صورت وسیع شرکت کردند.

عکسی از مراسم روز جهانی کارگر ۱۳۹۳ در زندان گوهر دشت
شاهرخ زمانی در حال قرائت بیانیه روز جهانی کارگر
در سالن شماره ۱۲ بند ۴ زندان گوهر دشت
(سالن زندانیان سیاسی)



عکسی از مراسم روز جهانی کارگر ۱۳۹۳ در زندان گوهر دشت شاهرخ زمانی در حال قرائت بیانیه روز جهانی کارگر در سالن شماره ۱۲ بند ۴ زندان : عکسی از .گوهر دشت (سالن زندانیان سیاسی) درود بر کارگران آگاه و انقلابی که در سخت ترین شرایط زندان لحظه ای دست از مبارزه بر نمی کشند

مراسم روز جهانی کارگر ۱۳۹۳ در زندان گوهر دشت
شاهرخ زمانی در حال قرائت بیانیه روز جهانی کارگر
در سالن شماره ۱۲ بند ۴ زندان گوهر دشت
سالن زندانیان سیاسی

چند پیام دریافتی به مناسبت وحدت حزب با رفقای تشکل مارکسیستی لنینیستی توفان و راه آینده



با درود های فراوان
رفقای عزیز، نخست از همه وحدت تان را به شما تبریک گفته و دست تان را رفیقانه می فشاریم.
هرگاه بنویسیم که بعد از سالیان سال این بهترین تحفه ای بود که در روز کارگر، پرولتاریای ایران از پیشاهنگ خود دریافت داشته است، مطمئنیم به خطا نرفته ایم.
رفقاء!

در شرایطی که بر مبنای ده ها و صدها دلیل خرد و بزرگ از بی عملی خود ما گرفته تا تهاجمات همه جانبه و پیگیر امپریالیزم، از شکست ها و ریزش ها گرفته تا خیانت های آشکار به علم انقلاب و ... تقریباً روند حاکم را رفتن به طرف پراکندگی و در نتیجه بی عملی و بیهودگی می سازد، گام گذاشتن در مسیر دشوار اما افتخار آمیز وحدت کمونیستی، در واقعیت امر چیزی نیست مگر اعلام جنگ علنی علیه امپریالیزم، ارتجاع و فرهنگی که بر جنبش کمونیستی جهانی تحمیل داشته اند، چیزی نیست مگر اثبات این که کمونیست ها از سرشت ویژه ای برخوردارند، چیزی نیست مگر شنا مقابل جریان مسلط.

ما به مثابه یک نهاد نشراتی که از دیر باز با شما همکاری رفیقانه داریم، به خود اجازه می دهیم تا این وحدت تان را بار دیگر تبریک گفته، قوام رزمنده آن را کانون و هسته ای، امید نمائیم که تمام جنبش کمونیستی پراکنده ایران را، بستر و مأوایی بگردد.
به امید تحکیم رزمنده وحدت تان

به امید پیروزی های بیشتر تان در امر مبارزه

پیروز باشید

به نمایندگی از اداره پورتال «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» موسوی

رفقای (توفان) !

وحدت دیالکتیکی و همه جانبه

با سایر رزمندگان کمونیست ،

نیاز مبرم جنبش کمونیستی

در کشور های خودی

همچنان در سطح کشور های جهان است .

درود های آتشین به شما رفیق ها

که به چنین قدرت عظیم دست یافتید .

از اینکه "حزب کار ایران" (توفان) و "تشکل مارکسیستی - لنینیستی توفان و راه آینده" با تلاشهای در خور ستایش در کارکرد های مستدام و و تغییرات و تحولات تاریخی خویش در درازنای تقریباً چهار دهه ، با عبور پرفراز و فرود و پیچ و خم های پر خطر از بسترهای جداگانه مبارزاتی شان (برای رسیدن به هدف واحد و مشترک) عبور پیروزمندانه کرده ؛ پهلوی هم قرار گرفته اند ، و « بر اساس برنامه و اساسنامه حزب کار ایران (توفان) ، به مثابه حزب واحد طبقه کارگر ایران به وحدت در عرصه های ایدئولوژیک، سیاسی و سازمانی نایل » شده اند ؛ ما این پیروزی بس بزرگ و تاریخی را برای تمام رفیق های دست اندر کار این وحدت رزمند از عمق قلب تبریک و تهنیت می گوئیم .

رحیمه توخی - کبیر توخی ۵ می ۲۰۱۴

حزب مخفی انقلابی خلقی دموکراتیک (کمونست) افغانستان

بنام حزب مخفی انقلابی خلقی دموکراتیک (کمونست) افغانستان، وحدت سازمانی این دو تشکل کمونستی را به رهبری، اعضای هر دو تشکل و عموم کارگران و زحمتکشان ایران تبریک عرض نموده موفقیت های مزید شانرا در برنامه های بعدی شان خواهانم، این اتحاد به یقین جبهه انقلابی کمونستهای ایران را در برابر دشمنان شان مستحکمتر ساخته و گامی است در راه پیروزی طبقه کارگر ایران، منطقه و جهان در برابر امپریالیسم جهانی. مستحکم و پیروز باد جنبش جهانی کمونستی در روشنی تعالیم مارکسیزم لنینیزم

کارزار بین المللی دفتر روابط خارجی حزب کار ایران (توفان) برای آزادی بی قید و شرط فعال کارگری شاهرخ زمانی وسایر زندانیان سیاسی

رژیم جمهوری اسلامی بدون سرکوب کارگران ، زحمتکشان ، و نمایندگان آنها نمیتواند بزندگی سراسر جنایت خود ادامه دهد. هم اکنون دهها فعال کارگری در زندانهای رژیم به بند کشیده شده اند و در شرایط بسیار وخیمی بسر میبرند. رژیم جمهوری اسلامی نه تنها آزادی های سیاسی دموکراتیک را بشدت سرکوب کرده بلکه حتی مبارزات صنفی کارگران را تحمل نمیکند زیرا نگران در خطر افتادن منافع سرمایه داران و چپاول گران و دزدان میلیاردری شریک در قدرت است. حزب کار ایران (توفان) در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی برای در بند کشیدن و بدرفتاری و شکنجه شاهرخ زمانی بیانیه ای تحت عنوان " **جان شاهرخ زمانی در خطر است** " انتشار داد و برگردان انگلیسی آنرا به احزاب برادر و دهها سازمان دموکراتیک و تشکل کارگری ارسال نمود و آنها را فراخواند تا جنایات رژیم جمهوری اسلامی را بر علیه کارگران و زحمتکشان و مردم ایران را محکوم کنند و آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی را درخواست نمایند. این بیانیه توسط رفقای احزاب برادر بزبانهای نروژی ، دانمارکی ، اسپانیایی، ایتالیایی و یونانی ترجمه شد و در سطح وسیع در سایتها و فیسبوکها انعکاس یافت که در زیر نمونه های آنرا درج میکنیم.

رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی ایران باید بداند که هر نوع تعرض به حقوق دموکراتیک مردم ، جوانان ، زنان ، کارگران و زحمتکشان در ایران و سرکوب و زندانی و قتل نمایندگان آنها بدون پاسخ بین المللی نخواهد ماند. همانطور که ما بارها گفته ایم فقط مردم ایران و تشدید مبارزه آنها و حمایت واقعی بین المللی میتواند رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داده و دست او را برای همیشه از سر مردم ستمدیده ایران کوتاه نماید و بر ویرانه های دو رژیم شاه و شیخ ، ایرانی آزاد و شکوفا بنا نهد.

تنگ و نفرت بر رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران !

زنده باد مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران ! زنده باد سوسیالیسم !

Den kriminelle regimet i den islamske republikken Iran har trappet opp undertrykkninga av faglig aktive arbeidere.

Shahrokh Zamani, husmaler og medlem av



stiftelseskomiteen for Malernes forening i Teheran, har sultestreiket i protest mot soningsforholdene siden 8. mars 2014. Etter fem ukers sultestreik har Zamani mistet over 20 kilo, og tilstanden hans er livstruende.



- Nyheder
- Nyhedslinks
- Indland
- Globalt
- EU
- Krig og fred
- Arbejdspladsen
- På overførsel
- Kvinder i dag
- Økonomi

The life of the worker-activist Shahrokh Zamani is in Danger !



The criminal regime of the Islamic Republic of Iran has intensified the repression of all the worker-activists, particularly, of Shahrokh Zamani.

Appeal for solidarity [here](#)

Η ζωή του εργάτη - ακτιβιστή Shahrokh Zamani βρίσκεται σε κίνδυνο!



Η ζωή του εργάτη - ακτιβιστή Shahrokh Zamani βρίσκεται σε κίνδυνο!

Να απελευθερωθούν άμεσα και άνευ όρων όλοι οι εργάτες-ακτιβιστές από τις φυλακές της Ισλαμικής Δημοκρατίας του Ιράν!

Αγαπητοί σύντροφοι,
Το εγκληματικό καθεστώς της Ισλαμικής Δημοκρατίας του Ιράν έχει εντείνει την καταστολή όλων των εργατών - ακτιβιστών και ιδιαίτερα του Shahrokh Zamani.

احزاب برادر متشکل در کنفرانس احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی :

حزب کمونیست کارگران تونس، حزب کمونیست انقلابی ترکیه ، حزب کمونیست کارگران دانمارک، حزب کمونیست کارگران فرانسه، حزب کمونیست آلمان، پلاتفرم کمونیستی نروژ، تشکیلات برای احیای حزب کمونیست یونان، سازمان برای بازسازی حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست) ، حزب کمونیست کار دومینیکن، حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست- لنینیست)، حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی ولتا، حزب کمونیست شیلی (مارکسیست - لنینیست) حزب کمونیست اکوادور (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونیست انقلابی برزیل، حزب کمونیست ونزوئلا (مارکسیست - لنینیست)، حزب کمونیست بنین

شرح حال زندگی لنین (قسمت هشتم) اثر استفان لینگرن

خرس روسی

لنین در ۷ اوت ۱۹۱۴ به جرم جاسوسی توسط پلیس اطریش دستگیر شد. جنگ اول جهانی آغاز شده بود و او یک روس در کشور دشمن بود، اما پس از دخالت نماینده سوسیال دمکرات مجلس اطریش، ویکتور آدلر، آزاد شد. طی ۱۲ ساعت در زندان، لنین به سمت نماینده انتخاب و - اگر چه او خودش سیگار نمیکشید - مسئول فروش سیگار شده بود.

تیری که توسط دانشجوی صربستانی، گاوریلو پرنسیپ، به سوی شاهزاده اطریشی فرانس فردیناند، که برای بازدید در سارایوو بسر میبرد، نشانه گرفته شده بود آغازگر جنگ جهانی شد. بدون در دست داشتن مدرکی دال بر اینکه بلگراد مسئول این ترور باشد، قیصر فرانز جوزف و مشاور او در وین بر آن شدند که به "صربها درس ادبی بدهند".^۱ ده مطالبه عرضه شد، که قبول بسیاری از آنها برای هر کشوری توهین آمیز بودند. صربها تسلیم شده و ۹ مطالبه از ده مطالبه را پذیرفتند. تنها دهمی که نماینده اطریشی بر اساس آن میتوانست نیروهای نظامی صربها را پاکسازی نماید مورد قبول واقع نشد. سران دولت در وین حمایت آلمان را برای اشغال صربستان بدست آورده بودند، حال تفاوت نمیکرد که صربها چه پاسخی میدادند. تحرکات بر علیه متحد صربستان، روسیه که از نظرات آنها حمایت مینمود، آغاز شد. در اول اوت آلمان بر علیه روسیه اعلام جنگ نمود و ۱۰ روز پس از آن به کشورهای فرانسه، انگلستان، بلژیک و اطریش- مجارستان اعلام جنگ شد. پس از اعلام دو طرفه و نهای جنگ، همه اروپا عملاً در حال جنگ با یکدیگر بودند. درگیرها در بالکان آغاز شد، اما میتوانست هر کجای دیگری آغاز شود. همانطور که بیسمارک گفت: "همه شبه جزیره بالکان ارزش یک نارنجک انداز را هم ندارد".

اما در پشت پرده اختلافات دیگر و عمیقتری وجود داشت. مدت زمان درازی بود که حوزه منافع قدرتهای بزرگ در مورد مستعمرات در تضاد با یکدیگر قرار گرفته بودند و این منافع تضادهایی جدیدی را یکی پس از دیگری ایجاد مینمودند.

لنین و Krupskaja از طریق وین به کشور بی طرف سوئیس مسافرت نمودند و در آنجا، در برن، اتاقی اجاره کردند. Krupskaja هر روز صبح همسر پرزیدنت سوئیس را که برای تکان دادن فرشها به بالکن میآمد میدید و از آن به عنوان نشان زنده ای از طبیعت ساکن محیط خرده سرمایه داری یاد مینمود.

لنین تنیدن شبکه جدیدی را سرعت آغاز کرد: از میان روسها در ژنو چه کسانی راهی روسیه بودند و آیا چاپخانه ای روسی باقی مانده بود و قادر به چاپ اعلامیه های روسی بود؟

روز بعد از ورودش کلیه بلشویکهای باقیمانده در برن برای برگزاری جلسه ای به جنگلی فراخوانده شدند و لنین نظر خود را در مورد جنگ ارائه نمود. قطعنامه ای صادر و در آن جنگ به عنوان جنگی امپریالیستی و غارتگرانه مورد ارزیابی و توافق قرار گرفت. پشتیبانی تقریباً جمعی رهبران سوسیال دمکرات اروپایی از کمکهای مالی ارائه شده پارلمانهایشان به جنگ خیانتی بود به اهداف طبقه کارگر.

لنین از سوسیال دمکراتهای روسی انتظار زیادی نداشت، اما با اینحال ۴ اوت برای او یک رویداد غیر منتظره شد. زینویف گفت که لنین ابتدا از قبول اطلاعات داده شده از برلین امتناع ورزید. او تصور میکرد که ستاد ارتش آلمان کدی از Vorwärts* جعل نموده باشد. اما پس از اثبات اینکه "سوسیالیستها" به متحد امپریالیستها تبدیل شده بودند، مسئله شکل دیگری به خود گرفت: "از امروز من دیگر سوسیال دمکرات نیستم. من یک کمونیست هستم".^۲

* <http://en.wikipedia.org/wiki/Vorw%C3%A4rts> - مترجم

لنین و روزا لوکزامبورگ در حقیقت مصوبه ای را در بین الملل سوسیالیسم به تصویب رسانده بودند که همه احزاب سوسیالیست را موظف به مخالفت با جنگ مینمود و به همین دلیل این خیانت هر چه بیشتر احساس میشد. در سال ۱۹۰۷ در دومین کنگره بین الملل در اشتوتگارت لنین و روزا لوکزامبورگ بندی را، که پس از برخی اصلاحات به عنوان ضمیمه به قطعنامه های شبیه به جلسات ۱۹۱۰ و ۱۹۱۲ نیز اضافه شد، پیشنهاد نموده بودند.

"اگر وقوع جنگی محتمل باشد، این از وظایف طبقه کارگر کشورهای درگیر و نمایندگان آنها در پارلمان است که با تمام وجود از وقوع جنگ جلوگیری نمایند.... چنانچه جنگی آغاز بشود، وظیفه آنها این است که در جهت متوقف نمودن آن سریعاً دخالت و از بحران اقتصادی و سیاسی حاصل از جنگ به منظور ترغیب توده ها بهره برداری و از این طریق سقوط دیکتاتوری سرمایه داری را تسریع نمایند".^۳

سوسیالیسم بین الملل خود را مقید نموده بود که در صورت آغاز جنگ به اعتصاب سراسری دست بزند. اکنون زمانیکه جنگ واقعیتی شده بود تمامی این قطعنامه ها و تصمیمات فراموش شده بودند.

برای لنین "خطرناکتر از همه" کارل کائوتسکی و مرکزیت طلبان هوادار او بودند. چرا که شایع شده بود، آنها رادیکالتر از اعضای رهبری حزب بوده و دقیقاً به همین دلیل حمایتشان از جنگ بزرگترین آسیب را سبب شد.

آلساندرا کولنتای همکار لنین در دوران آغاز جنگ در برلین بسر میبرد. هراسان از مواضع حزب آلمان، کولنتای خواستار ملاقات کائوتسکی در مجلس شد. کائوتسکی به عنوان یکی از رهبران مقتدر مارکسیست و یک رهبر کارگری نابغه و رادیکال در سراسر اروپا شهره خاص و عام بود. آلساندرا کولنتای کائوتسکی را که بشدت گیج و شکسته شده بود در سالن مجلس ملاقات نمود. هر دو پسر او دقیقاً در همان زمان احضار شده بودند:

"در این شرایط حساس باید هر یک از ما بتونیم صلیب خودمونو حمل کنیم"، او به

آلساندرا کولنتای گفت. "ما باید نشان بدیم که حتی سوسیالیستها هم میتونن برای حفظ وطن بمیرن."^۴

آلساندرا کولنتای به آنچه که شنیده بود باور نداشت. مجلس آلمان پس از اعلام پشتیبانی حزب از مخارج جنگ توسط رهبر گروههای سوسیال دمکرات، نیازی به این نداشت که حتی در مورد آن رای گیری کند، پس از آن مجلس بسرعت منحل شد. کلیه اخطارهای لنین در مورد کائوتسکی کلاهبردار به اثبات رسیده بود. به عقیده لنین "او دشمنی نقابدار با سیاستی بزرگ شده بود، دشمنی که افق دید کارگران را محدود، روحیه و توانایی درک کارگران را تضعیف و آنان را نسبت به مسائل بی تفاوت مینماید."

قیصر آلمان بجز احزاب آلمانی احزاب دیگری را نمیشناخت. زمانیکه Karl Liebknecht،

فرانز مهرینگ، رزا لوکزامبورگ و کارل زتکین اعتراض نامه ای را بر علیه مواضع رهبران حزب نوشتند، هیچ روزنامه آلمانی وجود نداشت که آنرا منتشر نماید! ابتدا در پایان اکتبر بود که آن در سوئیس منتشر شد.

در فرانسه نیز حزب سوسیالیست با Guesde و Valliant در راس آن، به انحراف شونیستی کشیده شده بودند. در انگلستان تنها حزب Independent Labour بر علیه فشارها ایستادگی نمود.

روسیه در آغاز با تمام اعضای فراکسیون سوسیال دمکرات مجلس بر علیه جنگ رای داد، اما منشویکها به سرعت تغییر موضع داده و بلشویکها ناگزیر شدند که بصورتی مخفی به فعالیت خود ادامه بدهند و تمام اعضای فراکسیون بلشویکی در مجلس روسیه در شرق سیبری به تبعید دائمی فرستاده شدند.

در پاریس پلخائف سخنرانی پرشوری را در تجلیل از مهاجران روسی که داوطلبانه به ارتش فرانسه ملحق شده بودند ایراد نمود. این عمل او مایه تأسف شدید لنین شد که تصور مینمود، شاید سابقه نظامیش عامل این شوخی بوده باشد.

بجز سوسیال دمکراتهای روسی تنها چند بلغاری و دو نفر از اعضای پارلمان سیبری بودند که در پارلمان خود از دادن رای مثبت به جنگ خودداری نمودند.

جنگ چنان روحیه ناسیونالیستی در روسیه ایجاد نموده بود که مخالفان آنرا در موضع ضعف قرار داده بود. به عنوان مثال در شهرهای روسیه مغازه های متعلق به آلمانیها به صورتی منظم غارت شدند. نام رسمی شهر سن پترزبورگ که در گوش طنینی آلمانی داشت به پتروگراد تغییر داده شد.

فرانسه نیز با کمال تعجب به شماری اندکی از فراریان از جبهه اشاره نمود. یکی از معدود افراد مخالف جنگ، Jean Jaures - ه سوسیالیست، یک روز قبل از آغاز جنگ توسط یکی از هواداران جنگ به قتل رسید.

در هفته های اول در انگلستان ۷۵۰۰۰۰ نفر داوطلبانه، و علاوه بر آن یک میلیون طی هشت ماه بعد، ثبت نام نمودند. در اولین زمستان جنگ تعداد زیادی به خاطر اشتیاق بسیارشان برای نجات وطن در میان برف دست به تمرینات نظامی زده و بدینسان مجازات خود را دریافت نمودند. بسیاری قبل از اینکه اسلحه ای بدست بگیرند کشته شدند.

سوسیال دمکراتها خیانت نمودند، اما لنین از امکانات موجود انقلابی غافل نبود. مانند انقلاب سال ۱۹۰۵ که بخاطر شکست روسیه در مقابل ژاپن رخ داد، شکست دیگری برای روسیه در جنگ جهانی میتوانست انقلاب دیگری را ایجاد نماید. او در سال ۱۹۱۳ به گورکی نوشته بود:

"جنگی میان اطیش و روسیه بصورت بیسابقه ای میتوانست برای انقلاب قابل استفاده باشد (در سطح تمام اروپا)، اما چندان محتمل نیست که فرانس جوزف و نیکی اینچنین لطفی را به ما بکنند."^۵ لنین میگفت که این جنگی بود غارتگرانه و کارگران نباید از هیچ یک از طرفین متخاصم حمایت کنند. "جنگ بمنظور تقسیم مستعمرات و به چنگ آوردن زمینهای دیگر ملل آغاز شده است. دزدها با هم دعوا میکنند".

لنین میگفت که نتیجه جنگ اساساً اهمیت نداشت، اما برای طبقه کارگر شکست ارتش خودی بهتر بود، به خصوص شکست روسیه شکستی بود برای حکومت تزار و ارتش آن که لهستان، اوکراین و تعداد بسیاری از دیگر خلقهای روسیه را مورد شکنجه قرار میدهند.

در Diestelweg واقع در برن شکلی از زندگی روستایی کاذب حاکم بود. لنین و همسرش در کنار جنگل بزرگی، روبروی آنها اینسا آرماند و به فاصله پنج دقیقه زینویف با اعضای خانواده اش، زندگی میکردند. لنین، کروپسکایا و اینسا آرماند در راههای جنگلی پوشیده از برگهای زرد پاییزی راهپیمایی نموده و گاهی از کوه Schrattefluh بالا میرفتند. آنها گلهای رز آبی، میوه های جنگلی و قارچ، Karliohan، را میچیدند. لنین بر روی سخنرانیه و متون خود، متونی که بسیاری از آنها منتشر نشدند، کار میکرد. کروپسکایا، در حالیکه اینسا دامن میدوخت، کتاب آموزشی Toussaints را به زبان ایتالیایی میخواند.

Krupskaja طی دوران زندگیشان در کراکف ۲۰۰۰ روبل به ارت برد. پس از اینکه یک دلال پول سهم خود را برداشت، ۱۰۰۰ روبل آن باقی ماند. اگر چه برای آنها ته مانده ای از ارت باقی مانده بود با اینحال تا سال ۱۹۱۷، یعنی زمان بازگشت، وضعیت اقتصادی لنین و همسرش نگران کننده بود.

Krupskaja

در سال ۱۹۱۵ نوشت: "تمام دارایی ما بزودی تمام، و مشکل پیدا کردن نانی برای خوردن و ادامه زندگی هر روز بزرگتر و بزرگتر میشود."

"باید نوشتن را آغاز کنم، هر چیزی که شد"، لنین شکایت میکرد. "همه چیز بشدت گران است و ما به سختی زندگی خودمان را اداره میکنیم."

پس از آنکه اولین موج کاذب از میهن پرستی تقلبی فروکش کرد، کار سازماندهی مقاومت در مقابل جنگ آغاز شد. لنین شعار "صلح" را به عنوان شعاری نارسا و خرابکاریهای فردی بر علیه جنگ را مردود اعلام نمود. او به جای آن خواهان تبلیغاتی همگانی بود، تبلیغاتی که بر اساس آن نظامیان و غیر نظامیان باید سلاح خود را بسوی ستمگران کشور خودی نشانه میرفتند.

در سوئیس رابرت گریم برپایی کنفرانس بین المللی چپ را بر علیه جنگ اعلام نمود. دو کنفرانس برگزار میشد، یکی در سپتامبر ۱۹۱۵ در زیمروالد و دومی در آوریل ۱۹۱۶ در Kienthal در سوئیس. لنین در هر دو کنفرانس شرکت کرد.

۳۸ نفر از ۱۱ کشور در کنفرانس زیمروالد حضور داشتند. یک فراکسیون کمونیستی ۹ نفره متشکل از لنین، زینویف، لئن برزینز و سوئدیها Zeth Höglund و توره نرمان، رادک - لهستانی، Borchardt - آلمانی، Platten - سوئیسی و رونالد - هولست - هلندی، که بعدها به آنها پیوست، در کنفرانس شرکت کردند.

اکثریت پیشنهاد جناح چپ را مردود اعلام نموده و اعلامیه سازشکارانه و غیر ستیزه جویانه تری را مورد تایید قرار دادند. جناح چپ به هر حال این اعلامیه را تایید نمود.

بعدها در سوئد کنفرانسی شبیه به آن تشکیل شد. سه نفر از مبتکران - Zeth Höglund، Ivan Oljelund و اریک هدن - به زندانهای دراز مدت محکوم شدند. آنها ابتدا به جرم "ترغیب به خشونت" دستگیر شده بودند ولی بعدها عنوان جرم آنها به "تدارک برای خیانت" تغییر یافت.

لنین زمانی که خبر محکومیت Zeth Höglund را به خاطر تبلیغات ضد نظامیگری شنید به آکساندرا کولنتای نوشت "عجب بی عدالتی وحشیانه ای! باور کردنی نیست!"^۱ او آنچنان خشمگین بود که همه متوجه آن میشدند.

لنین در فوریه ۱۹۱۶ به منظور پایان دادن به شاهکار خود "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری"، که در ژوئن همان سال به اتمام رسیده بود، به زوریخ مهاجرت نمود.

Krupskaja تعریف کرد که "ارتباطات با روسیه قطع شده بود. ما نامه ای نمیگرفتیم و کسی از آنجا نمیآمد." ابتدا در پایان سال لنین، علیرغم موانع سخت مرزی، موفق به قاچاق برخی از نمونه های ارگان حزب سوسیال دمکرات به روسیه شد.

او خود را بخاطر مخالفتش از کلنیهای مهاجران دور نگاه میداشت. هر روز صبح بلشویک فقیری به نام "Zemljatjka"، که به دلیل گرسنگی دیوانه شده بود لنین را ملاقات میکرد. او با چنان چهره پریشان و لباس کتفی به این طرف و آنطرف میرفت که به کتابخانه هم راهش نمیدادند.

Zemljatjka همواره تلاش میکرد که با لنین تماس گرفته و با او گفتگو کند، او معمولاً قبل از ساعت ۹، پیش از رفتن لنین به کتابخانه، به دیدنش میآمد.

گفتگوی او با چنان تاثیر بدی بر روی لنین و Krupskaja گذاشت که آنها سرانجام، قبل از رفتن به کتابخانه، به بهانه قدم زدن از خانه فرار میکردند. ذوجین اتاقی را در خانه ای قدیمی و تاریک اجاره نمودند. پنجره ها را، به دلیل وجود کارخانه ای سوسیال پزی در خانه، فقط شبها باز میکردند. بوی سوسیال ترشیده غیر قابل تحمل بود.

تمام اروپا بوی تعفن میداد و لنین خود را خسته و پیر احساس مینمود. در اکتبر ۱۹۱۶ یک بار پس از نطقی در ژنو رفیق یونانی و مبارزاتی او Micha Tschakaja، از لنین سوال کرده بود: "شما چند سالته؟"

لنین جواب داد: "من پیرم، خیلی پیر، همین الان ۴۶ سالمه".

به هر حال در آن خانه بزرگ، تاریک و دلتنگ، لنین تنها دلش به همسایگانش خوش بود. در آنجا صاحبخانه، Kammerer - ه نجار، یک کفاش، همسر یک نانوا آلمانی که در جبهه بود و یک خانواده اطریشی - ه هنرپیشه با گربه ای به رنگ قرمز تیره زندگی میکردند.

هیچگونه پیشداوری ملیتی میان آنها وجود نداشت. یک بار همسر Kammerer - ه نجار طی جلسه ای در کنار اجاق گاز با خشم فریاد زد: "سربازا باید سر اسلحه خودشونو به طرف دولتهای خودشون برگردونن!"

Krupskaja مینویسد، پس از آن ماجرا لنین مایل به ترک آنجا نبود.

در خلال آن دوران تمایل رقت انگیزی در نزد لنین وجود داشت که تنها Krupskaja آنرا کشف نمود. او بازگو میکند که چه اتفاقی افتاد زمانیکه لنین، که Krupskaja او را ولادیمیر ایلیچ و یا فقط ایلیچ میخواند، یک بار در یکی از خیابانهای زوریخ با سیاستمداری از تبار سوسیال دمکراتها برخورد نمود:

Krupskaja میگوید: "ما در قسمت دیگری، قسمت مدرنتر شهر قدم میزدیم و بصورتی اتفاقی به نویس، سردبیر یک روزنامه سوسیالیستی در زوریخ که به فالانژ دست چپها تعلق داشت، برخوردیم.

نویس پس از اینکه چشمش به ولادیمیر ایلیچ افتاد چنان وانمود کرد که میخواهد سوار قطار شهری بشود. اما لنین او را غافلگیر و صحبت در مورد ضرورت یک انقلاب جهانی را آغاز نمود. چهره نویس فرصت طلب خیلی خنده دار بود. او آنجا ایستاده بود و نمیدانست که چگونه خود را از دست این روس پرحرف که یقه او را گرفته و در مورد عقاید خودش سخن میگفت خلاص کند. صحنه تراژیک و خنده داری بود، اما بازنده ولادیمیر ایلیچ بود. سرمایه گذاری او نتیجه ای ببار نداد، اشتیاق بی اندازه او برای توده ها بدون استفاده به هدر رفت و آگاهی آشکار او شنونده ای نداشت.

من ناگهان به خرس قطبی بزرگی فکر کردم که همراه با ایلچ در باغ جانورشناسی لندن دیده بودیم. ما در مقابل قفس ایستادیم و مدتی دراز به او نگاه کردیم. نگهبان برای ما توضیح داد، که همه حیوانات وحشی به مرور زمان به قفس عادت میکنند: خرس، ببر، شیر. این فقط خرس قطبی روسی - ه که هرگز به اسارت عادت نمیکند. شب و روز بر علیه میله های قفس اعتراض میکنند.^۷

لنین در مورد مبحث امپریالیسم دانش بسیاری را فراهم آورده و ۷۶۰ صفحه را با ۲۰ دفترچه یادداشت مملو از آمار و نقل قول پر کرده بود. او شبها Krupskaja را با داستانهای گوناگون و عجیب و غریب در مورد امپراطوری های مختلف سرگرم مینمود. Krupskaja در دفتر خاطرات خود نوشت: "افسوس که این قصه ها هرگز کتابی نشدند". قرارداد انتشار قانونی امپریالیسم در روسیه تزاری توسط گورکی تهیه و نویسنده ۵۰۰ روبل به عنوان اجرت دریافت میکرد. کتاب اما در حقیقت قبل از سپتامبر ۱۹۱۷ منتشر نشد و لنین متأسف شد از اینکه نتوانست تعدادی از "دگرگونیهای هنری" را که به دلیل سانسور ناگزیر به انجام آنها شده بود تصحیح نماید. به عنوان مثال زمانیکه او میخواست از روسیه استعمارگر صحبت کند اجبارا از ژاپن صحبت میکند و غیرو و غیرو. اما پیام کتاب کاملا روشن بود.

لنین توضیح داد که گذار به سرمایه داری مونوپولی و صدور عظیم سرمایه به کشورهای عقب مانده چگونه شرایط لازم را برای ایجاد جنگ میان گروههای امپریالیستی فراهم میآورد. برای مثال منابع نفتی آمریکا که در حال اتمام بود میتوانست جنگ نفت را به منظور "تقسیم جدیدی" از ذخائر نفتی جهان سبب شود.

او علاوه بر این معتقد بود که امپریالیسم در کشورهای ثروتمند برخی از گروههای برتر را در میان کارگران بوجود میآورد و اینکه ایدئولوژی امپریالیستی در میان آنها نیز نفوذ مینماید.

اگر چه لنین مانند بسیاری نمیتوانست وقوع جنگ جهانی را پیش بینی کند، ولی امر گام نهادن سرمایه داری به مرحله فروپاشی از مدتها قبل روشن شده بود.

جنگ روسیه و ژاپن در سال ۱۹۰۴، اولین انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵، بحران مراکش در سال ۱۹۰۶، بنیان گذاری *entente cordiale* (همبستگیهای صمیمانه) میان انگلستان و فرانسه در سال ۱۹۰۴، گسترش اتحاد سه گانه با روسیه در سال ۱۹۰۷، احیای اتحاد سه گانه (آلمان، اتریش، ایتالیا) و فروپاشی جنبش کارگری در مورد صحت این نظریات شهادت میدادند. لنین نوشت: "امپریالیسم آغاز انقلاب سوسیالیستی است."

جنگ جهانی درستی نظرات لنین را تایید نمود. جمعا ۱۰ میلیون نفر کشته و ۲۰ میلیون نفر زخمی شدند. تنها در جنگ وردون ۴۶۰۰۰۰ فرانسوی و ۲۷۸۰۰۰ آلمانی کشته شده بودند. حمله بدون هدف انگلیسیها در Somme ۴۲۰۰۰۰ هزار کشته از خود بر جای گذاشت. ژنرالهای هر دو طرف روزانه و بدون کوچکترین ترحمی جان هزاران انسان جوان را قربانی مینمودند.

میان ۲۴ تا ۳۰ آوریل ۱۹۱۶ کنفرانس دوم زیمروالد در Kienthal برگزار شد. جنگ جهانی پس از گذشت ۸ ماه بصورت فزاینده ای گسترش یافته و شرکت کنندگان رادیکالتر شده بودند.

اینبار اعضای جناح چپ زیمروالد نه هشت بلکه ۱۲ نفر عضو داشت و به گفته لنین قطعنامه ها گامی به جلو نهاده بودند.

"در تاریخ جهان هرگز اطلاعاتی الهام بخش تر، بالاتر و عظیمتر از این منتشر نشده بودند و اینکه به واقعیت مبدل نمودن آن هنر جمعی ما خواهد بود. هیچ فداکاری بزرگتر و هیچ دردی سنگینتر از رسیدن به این هدف نیست: صلح میان مردم. کارگران و برگزیدگان آنان! پدران و مادران! زنانی که شوهران خود را از دست داده اید و فرزندان بی پدر! زخمیها و انسانهای عاجز و زمین گیر! این شما هستید که به خاطر جنگ و از جنگ در عذابید، از سراسر جهان، از رزمگاههای پر دود، از شهرها و روستاهای نابود شده فریاد برآورید: کارگران همه جهان متحد شوید."

تنها در ماه می برای پخش این اعلامیه در سنگرها سه افسر و ۳۲ سرباز در آلمان تیرباران شدند. Karl Liebknecht، که در ماه سپتامبر به عنوان تنها نماینده مجلس بر علیه جنگ رای داده بود، از حزب اخراج و به خاطر تبلیغات بر علیه جنگ به دو سال زندان تادیبی محکوم شد. در روسیه مقاومت گسترش یافت. در سال ۱۹۱۵ بیش از نیم میلیون کارگر در اعتصاب شرکت نمودند. در جبهه روسیه- اتریش تمایلات به برقراری روابط برادرانه میان سربازان دیده میشد. تیراژ روزنامه بلشویکها، پرودا، به ۴۰۰۰۰ رسیده بود.

اما جنگ تازه آغاز شده بود. برای آینده ای قابل پیش بینی چرخ گوشت چرخ مینمود بدون اینکه نیروهای مخالف قادر به جلوگیری از آن باشند. جنگ برای نیروهای نظامی تزار به بدترین شکل ممکن آغاز شده بود. تزار طی پنج ماه اول جنگ ۳۰۰۰۰۰ نفر را از دست داد. بهار ۱۹۱۵ آلمانها ۱۵ میل در خاک روسیه پیشروی و در اوت برست را به تصرف خود درآورده و با از جمله استفاده از گاز به عنوان اسلحه، نیروهای روسی را در مردابهای پر شاخ و برگ محاصره نموده بودند.

رژیم تزار ۱۴ میلیون نفر را برای جنگ جهانی بسیج و قبل از اینکه جنگ به اتمام رسیده باشد کشور قریب ۶ میلیون نفر را به شکل کشته و زخمی از دست داده بود. تسلیحات ارتش روسیه وضعیت بسیار بدی داشتند. ارتش آنها توپخانه سنگین نداشت و تنها صاحب چند هزار شصت تیر و تعداد کمی آتشبار بود. افسران ستاد ارتش از نخواستاری نظامی متفر بوده و پس از شکست در جنگ ژاپن - روسیه درگیر دعوای داخلی بودند.

کرنسکی که خود بعدها یکی از رهبران انقلاب شد مینویسد: "ارتش مدتها قبل از سقوط رژیم تزار، نشانه هایی آشکار از فروپاشی را نشان میداد. در ژانویه ۱۹۱۷ بیش از یک میلیون نفر از فراریان جنگ در پشت جبهه ها پرسه میزدند."^۸

فراریان جنگی، که بعدها تعدادشان به دو میلیون و نیم رسید، با گذاردن قدم به هر جایی عوامل نگرانی را ایجاد می‌نمودند، به اقوام خود نامه می‌نوشتند و داستانهای رقت انگیزی در مورد وادار نمودن آنها به حمله، بدون داشتن سلاحی، بازگو می‌کردند. لنین هنوز آغاز انقلاب را نمی‌دید و در مورد امکانات بازگشت خود به کشور بسیار بدبین بود. او در ۲۲ ژانویه در جلسه سوسیالیستهای جوان در ساختمان خانه مردم در زوریخ طی نطقی گفت:

"ما انسانهای متعلق به نسلهای گذشته ممکن است که مبارزات تعیین کننده انقلاب آینده را تجربه نکنیم...."

۱- A.J.P Taylor در اثر، جنگ جهانی ۱۹۱۴-۱۹۱۸ (استکهلم ۱۹۶۷) در مورد تلاشهای اطیش که ثابت نماید که Princip از طرف دولت صربستان اجیر شده بود: "آنها مدرکی پیدا نکردند. کسی تا کنون چیزی بدست نیاورده است سخن میگوید.

۲- Dmitrij Volkogonov، لنین، Polititjeskij portret، بخش ۱ مسکو ۱۹۹۴ ص ۱۳۹.

۳- Knut Bäckström، جنبش کارگری در سوند، بخش ۲ (استکهلم ۱۹۶۳)، ص ۱۰۶. این نقل قول بوسیله یلمار برانتینگ ترجمه شده است.

۴- آکساندرا کولنتای - من چندین بار زندگی کرده ام مسکو ۱۹۸۵ ص ۱۲۸.

۵- LCC 35:76

۶- نقل قول از دیمتری ولکونوف.

۷- لنین: زندگی و آموزش استکهلم ۱۹۲۵ ص ۸۸.

۸- Aesopus یک برده یونانی بود که تماتل خود را برای آزادی به شکل افسانه بیان نمود.

۹- نقل شده از Knut Bäckström تاریخ جنبش کارگری سوند، قسمت دوم، استکهلم ۱۹۶۳، ص ۲۷۵.

۱۰- نیویورک تایمز ۲۲ می ۱۹۲۷

کمیته مرکزی حزب کار ترکیه قتل عام دولت و سرمایه در سوما

علت قتل عام سوما ولع سیری ناپذیر کارفرمایان در استثمار می باشد.

دیروز در معدنی وابسته به شرکت زغال سوما در شهر مانیسا، شمار زیادی از کارگران جان باختند. امروز خبر دادند که تعداد کشته شدگان به ۲۰۱ تن رسیده است. انتظار می رود که شمار کشته شدگان افزایش یابد. تعداد زیادی نیز زخمی وجود دارد. به طبقه کارگرمان، نزدیکان کارگران کشته شده تسلیت می گوئیم و برای زخمی شدگان تمنای شفای عاجل داریم.

از این حادثه نمی توان آنطور که حکومت و سردمداران دولت این حادثه را یک رخداد معمولی مربوط به کار قلمداد کردند، عنوان نمود. درست برعکس، در این میان نه یک سانحه و نه سرنوشتی در کار است، این یک قتل عام آشکار می باشد. بنا به توضیحات دست اندرکاران، در طی ۱۲ سال حکومت حزب عدالت و توسعه بیش از ۱۴ هزار تن از کارگران در جنایات مربوط به کار جان خود را از دست داده اند. قتل عام سوما نقطه اوج جنایات از این دست می باشد. کلیه این جنایات نتیجه اعمال سیاستهای ضدکارگری بوقوع پیوسته است. سیاستهای نئولیبرالی، خصوصی سازی، کارهای پیمانی، کار زیاد به دست کمترین شمار کارگر، افزایش بازده کار به هر قیمت که از سوی حکومت حزب عدالت و توسعه و حکومتهای پیش از آن اعمال گردیده و باعث استثمار هرچه بیشتر بوده مسبب اصلی این جنایات می باشد.

به خاطر وقوع روز افزون مرگ کارگران در موسسات زغال سوما، ۲۰ روز پیش پیشنهادی مبنی بر تشکیل کمیسیون بررسی که از سوی حزب خلق جمهوریت، حزب حرکت ملی و حزب اتحاد دموکراتیک داده شده بود با آرای نمایندگان مجلس حزب عدالت و توسعه رد شد. سوال استیضاحی لوند توزال، نماینده مجلس حزب دموکراتیک خلحقا از شهر استانبول از سوی وزارت مربوطه بدون جواب گذاشته شد. گردانندگان معدنی که قتل عام سوما در آن بوقوع پیوست، چندی پیش در گفتگوهای خود دم از نعمات خصوصی سازی و کاهش ۶۰ درصدی مخارج استخراج زغال زده بودند. پس معلوم می شود مخارج به چه نحوی کاسته شده است. با کاهش تعداد کارگر و افزایش مقدار کار برای هر کارگر معدن، اخراج کارگران باتجربه و استخدام کارگران جدید و بی تجربه با حقوق کمتر بدست شرکتیهای پیمانی، عدم دخالت دادن سندیکاها و محروم کردن کارگران از ابتدائی ترین حقوق خود، کاهش مصارف مربوط به تدابیر امنیت جانی کارگران، عدم رعایت مقررات مربوط به امنیت و سلامت کارگران، در رفتن از بازرسی های اجباری از طریق زدوبند با حزب حاکم تنها برخی از کارهایی می باشند که باعث بوقوع پیوستن چنین رخداد فاجعه آمیزی شده و به عنوان تدابیر اقتصادی جهت کاهش در رفتن از آن دم می زنند و به خود می بالند. جنایات کاری و آخرین قتل عام بی شک سرنوشت نیست. جنایات کاری که محصول ولع سیری ناپذیر کارفرمایان برای کسب سود هر چه بیشتر می باشد تنها با از بین بردن سیستم استثمار به پایان خواهد رسید. حزب ما به خاطر پایان دادن به سامان استثمار مبارزه می کند. بهترین کاری که ما برای آنها می توانیم انجام دهیم اتحاد بر علیه سامان استثمار و اعتلای مبارزه می باشد. ما یک بار دیگر به دولت هشدار می دهیم که دست از سیاستهای ضدکارگری بردارد. وزرای وزارتخانه انرژی و منابع طبیعی و وزارت کار و تامین اجتماعی باید هرچه زودتر استعفا دهند. مسئولین این فاجعه هر چه زودتر باید به دادگاه کشانده شده و به بالاترین کیفرها محکوم گردند. کلیه قوانین و مقررات مربوط به امنیت کارگران در محل کار که نارسا می باشند باید هرچه زودتر دوباره تنظیم شوند، کارفرمایانی که از اجرای مقررات مربوط به امنیت کاری و کارگری سر باز می زنند باید به پرداخت جریمه های سنگین محکوم شوند. ما کارگران و سندیکاها را در رابطه با اعتراض به قتل عام سوما برای یک اعتصاب همه جانبه فرامی خوانیم. نباید اجازه دهیم که این چنین قتل عام را با پخش چند پیام تسلیت آمیز لاپوشانی نمایند. بخاطر عدم تکرار چنین جنایت ضد کارگری، زمان آن رسیده است که کلیدها را در تمام کشور قطع کنیم و زندگی را به نقطه ایست بکشانیم. به همین دلیل سندیکاها باید اعتصاب عمومی و عزای عمومی اعلام کنند. به جنایات کارگری پایان دهید. اتحاد، مبارزه و همبستگی برای حاکمیت طبقه کارگر

توفان شماره ۱۷۱ خرداد ماه ۱۳۹۳ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

پارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

* در افشای ماهیت "حزب کمونیست کارگری ایران" در دوجلد از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

* مرغان پرکشیده توفان. جانبختگان توفان. چاپ دم اردیبهشت ۱۳۹۳

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی

* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین

* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

* ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولزین

* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی

* مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس

* امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین

* توطئه بزرگ کتاب سوم

* توطئه بزرگ کتاب چهارم

در خطه حکمرانی اسرائیل اثر ارزشمندی از بهروز افراشته

سرزمین اشغال شده فلسطین توسط عزرائیل

ما خواندن این کتاب را به همه علاقمندان و پژوهشگران و مبارزین راه زادی و استقلال و سوسیالیسم توصیه میکنیم



آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

<http://www.kargareagah.blogspot.com>

<http://kanonezi.blogspot.com>

<http://rahetoufan67.blogspot.com>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت آرشیو نشریات توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

توفان در توئیتر

<https://twitter.com/toufanhezbakar>

توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=t>

توفان در فیسبوک

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

دست امپریالیستها از ایران و منطقه کوتاه باد!